

زنده باد صلح
مرگ بر خمینی جنگ افروز

علیرغم تمهیدات و تبلیغات رژیم، جنبش ضد جنگ سرعت رسانی می کند و نظرات و اعتراضات علیه جنگ و رژیم افزایش هرچه بیشتری می یابد. نظرات وسیع مردم تهران در مهر و آذر ۶۳، نظرات شهرت دی ماه ۶۳ مردم درود، نظرات اسفندماه مردم بروجرد، نظرات وسیع مردم کوی ۱۳ آبان تهران در ۲۱ فروردین ۶۴، نظرات مردم اهواز، اصفهان، مشهد، انزلی، سوسنگرد، همدان، سنندج، بروجرد، باختران و دهها حرکت کوچک و بزرگ دیگر همگی نشانگر آن است که مبارزه در راه صلح به عمده ترین عرصه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بدل گردیده است. تا زمانی که صلح و توسعه اقتصادی در ایران به جنگ و رژیم، که در شعارهای ضد خمینی تجلی می یابد، در واقع واکنشی است از سوی اقشار گوناگون مردم در برابر رژیم جنگ طلب، ضد مملکت و رتاجی جمهوری اسلامی که خمینی سمبل آن است، این امر حاکی از آن است که کارگران، دهقانان، زمینداران و همه مردم میهن ما در دوروی رژیم قرار می گیرند که همه خواستها و اعتراضات بحق آنان را - بویژه به نفع آنها - جنگ با سرکوبی خونین پاسخ می دهد. شعار "مرگ بر خمینی" و "زنده باد صلح" که در نظرات مردم بهم پیوسته خورده است، انعکاس نفرت مردم از خمینی جنگ افروز است به عمده ترین عامل ادامه جنگ است.

به میزانی که رژیم جمهوری اسلامی برادامه جنگ با فشار می کشد، سرنشین آن با جنگ بیشتر و گره می خورد و هست و نیست آن بیش از پیش به جنگ منبسط می شود. مبارزه در راه صلح با مبارزه در راه سرنگونی این رژیم ارتجاعی پیوسته بیشتر می یابد. مردم میهن ما آزادانه این جنگ کثیف متفرند، صلح میرم ترین خواست آنهاست. اکنون بیشتر مردم صلح می توان توده های وسیع تری را آگاه و متشکل کرده و علیه رژیم جمهوری اسلامی سازمان داد.

شعار "زنده باد صلح" شعاری است متناسب با سطح رشد جنبش توده های و ملموس و قابل درک برای توده ها. این شعار برای بسیج هرچه گسترده تر مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی بیشترین جا داشته را دارا است. شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز، زنده باد صلح" نافی بر طرح سازشکارانه تاکتیکی نیست و در عین حال از همه آنها جامع تر است زیرا اولاً صلح، این خواست عمومی اکثریت قریب به اتفاق مردم میهن ما را که در حال حاضر بیشترین قدرت بسیج را دارا است، طرح می کند، در حالی که به روشنی نشان می دهد که خمینی جنگ افروزیست و تا زمانی که صلح و توسعه اقتصادی و مملکت ما با صلح آماج قرار گیرد، ثالثاً این شعار در جهت تداوم سرنگونی جمهوری اسلامی است.

با بدینکوشیم شعار "مرگ بر خمینی" را که روز بروز به زبان حال گروه های بیشتری از توده های تاراجی منبسط می شود، به اشکال گوناگون باحرکات و مبارزه اعتراضی توده های مردم و با خواسته ها و بقیه در صفحه ۲

یام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت چهل و چهارمین سال
تاسیس حزب توده ایران

در صفحه ۲

یام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت شصت و ششمین سال استقلال افغانستان

در صفحه ۳

پیام هیأت تحریریه کار،
به مناسبت سالگرد انتشار حقیقت انقلاب ثور،
در صفحه ۳

اعتراض سازمان عفو بین الملل،
به حکم اعدام فدائیان و توده ایهای در زنجیر

تعدادی دیگر از اعضای سازمان ما و حزب توده ایران اعلام داشته است. "عفو بین الملل" اعلام نمود که ایران علیرغم امقای "مقاوله نامه بین المللی حقوق مدنی-سیاسی... همه گونه آزادی سیاسی، مذهبی، اندیشه، گفتار و اجتماعات را از میان برداشته است." "عفو بین الملل" بدینوسیله از مردم جهان خواسته است تا نگرانی خویش را نسبت به گزارش اعدام رفقانوشیروان لطفی، رضی الدین تابان و کیومرث زرشناسی و محمود سیدروغنی و اعدای بی رویه و شکنجه سازمان "عفو بین الملل" آمده است که در ایران "از محاکمه متعمدان و همخوان با موازین بین المللی خبری نیست و در بسیاری از زندانها و بازداشتگاهها، زندانیان را همواره شکنجه می کنند." سازمان "عفو بین الملل" همچنین نگرانی خود را نسبت به صدور حکم اعدام برای

دربی انتشار خبر تدارک اعدام رفقانوشیروان لطفی و رضی الدین تابان از رهبران سازمان ما، کیومرث زرشناسی و محمود سیدروغنی از اعضای حزب توده ایران، شیروای انقلابی و سایر مبارزان و مجامع بین المللی نسبت به این اقدامات یگانه رژیم جمهوری اسلامی به اعتراض برخاستند. سازمان "عفو بین الملل" ضمن انتقادات اعلامیه ای نسبت به اعدام فدائیان بی رویه و شکنجه زندانیان در ایران از نگرانی خود اعلامیه سازمان "عفو بین الملل" آمده است که در ایران "از محاکمه متعمدان و همخوان با موازین بین المللی خبری نیست و در بسیاری از زندانها و بازداشتگاهها، زندانیان را همواره شکنجه می کنند." سازمان "عفو بین الملل" همچنین نگرانی خود را نسبت به صدور حکم اعدام برای

پلیسی علیه جنبش کارگری را تکمیل کند. در این رابطه یک کمیته ۵ نفره مرکب از وزرای اطلاعات، کشور، کار، صنایع و متاورنخت وزیر در امور کارگری - علیرضا محجوب - تشکیل شده است. محجوب هم مشا و روشها پندیده نخست وزیر است و هم مسئول خانه کارگر. علاوه بر این کمیته، یک کمیسیون نیز از نمایندگان این وزارتخانه ها برای اجرا و پیگیری تصمیمات کمیته ۵ نفره بوجود آمده که از جمله وظایف مشخص آن سازماندهی برای نفوذ دادن عناصر جاسوس، خیرچین و ثواب در محیط های کارگری و شناسایی فعالین کارگری است.

توطئه های پلیسی در کارخانه ها
و ضرورت مقابله با آن

گسترش ایما و جنبش اعتراضی کارگران و افزایش دامنه اعتمادات درواحه های مختلف تولیدی و خدماتی کشور بویژه در سال گذشته، رژیم ارتجاعی خمینی را بر آن داشته است که به سیاست سرکوب و اختناق علیه کارگران ایما دپلیسی می سابقه ای بدهد.

توسیل به اشکال و شیوه های چون جاسوسی، خیرچینی، نفوذ در میان فعالین کارگری و توطئه ها و تحریکات پلیسی دیگر علیه کارگران هر روز بیشتر و پیچیده تر می شود. اساساً پروکاسیون (تحریک و فتنه گری) ایما به یک شکل مقابله، همواره مورد استفاده نیروهای ارتجاعی است و حتی در مقطعی به شکل عمده مبارزه آنها بدل می شود. توطئه، فتنه گری و تحریکات پلیسی جای ویژه ای در زندگی روزمره رژیم های ارتجاعی دارد و نقش مهمی در سیاست آنها بازی می کند. رژیم جمهوری اسلامی با سازماندهی مجموعه ای مکاناتش و تمرکز اطلاعات پلیسی درساواک جدیدش (وزارت اطلاعات) و همچنین تشکیل کمیسیون ها و کمیته های ویژه کنترل و سرکوب جنبش کارگری و توده های، شرایط را برای یگانه گری هرچه گسترده تر این حربه های پلیسی فراهم آورده است.

در این کمیسیون مسئولین خانه کارگر شرکت مستقیم و فعال دارند. مشخصه اصلی این سازماندهی جدید همکاری مستقیم مسئولین خانه کارگر با ارگانهای اطلاعاتی رژیم علیه جنبش کارگری است. اخیراً درواحه های صنعتی بزرگ افرادی بعنوان کارگر استخدام شده اند که نه مدرک دارند نه تخصص و نه سابقه کار، تنها مجوز استخدام آنها معرفتی نامهای است که خانه کارگر به آنها می دهد. اما این عناصر، بخاطر شکل مشکوک استخدامشان و همچنین بواسطه کنجکاوی ها و دخالت های بیجایی که در موارد مختلف از خود نشان داده اند، از همان بقیه در صفحه ۸

- گزارشی درباره:
 - درگیری ساکنین محله قلعه حسنخان، با پاسداران
 - مقابله اهالی "جاده نظامی" با مامورین مهاجم
 - اعتصاب در کارخانه "فومانات"

پس از صدور بخشنامه محرمانه نخست وزیری در مورد کنترل و سرکوب اعتمادات کارگری، رژیم درصدد برآمد تا با سازمانکانات وزارت اطلاعات و با هماهنگی دیگر وزارتخانه ها و یگانهای امنیتی و پلیسی "خانه کارگر" سازماندهی توطئه های

بازیهای انتخاباتی بازرگان

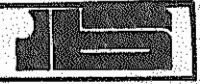
لیبرالهای نهفت آزادی همه سازشکاری خود را یک با دیگر در جریان انتخابات ارتجاعی اخیر برمسلا ساختند. آنها که از مدتها پیش به این "انتخابات" چشم دوخته بودند، ابتدا با توپ پروا در میگره شده و ۱۱ شرط برای شرکت در "انتخابات" پیش کشیدند. ۱۱ شرطی که بهر عمق آن "بازیهای اساسی" و "حاکمیت ملی" را در چاه رجوی این رژیم ارتجاعی تا مین می گرداند. نهفت آزادی، در بیابانی که در خرد اما انتشار داد نوشت:

"اگر همت مردم واقع بینی و دوراندیشی احتمالی دولت مردان بعدی برسد که به حقوق ملت و قانون اساسی گردن نهاده، آزادی و امنیت انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را جدی گرفته و عملاً بقیه در صفحه ۷

آیامی توان امپریالیسم را
به حمایت از انقلاب جلب کرد؟
در صفحه ۶

- در این شماره:
 - ضرورت اقدام موثر در راه اتحاد
 - مصاحبه رهبر اتحاد شوروی با مجله تایم
 - انترناسیونالیسم در فن همبستگی
 - جمهوری اسلامی، مدافع خونخوار بهره کشی
 - ارتجاع در جستجوی مبره های "بهرت"
 - ساواکیهای شاه در ساواک خمینی
 - آزمایش جدید سلاح ضد ماهواره ای توسط آمریکا

علیه جنگ، برای صلح، پیاخیزیم!



بیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد حزب

رفقای عزیز!

چهل و چهارمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را با کمال مسرت و از صمیم قلب به شما تبریک می گویم.

از سال سالگرد تأسیس حزب پر افتخار شما با هم میهن سالگرد بنیاد نگذاری حزب کمونیست ایران تقسارن یافته است. حزب توده ایران ۴۴ سال پیش زمانی که امروزی و گرانقدر پادشاهی ایران و آلمان حاکم بر کمونیست ایران را به دوش گرفت که اوضاع در عرصه جهانی و در میهن ما با امروز یکی متفاوت بود. در آن زمان جهان در آتش جنگ که بدست فاشیستها فروخته شده بود می سوخت و مهندسیا لیسیم اتحاد شوروی در نبرد مرگ و زندگی با قدرت فاشیسم درگیر بود. و امروز صلح جهانی با تکیه بر قدرت سوسیالیسم و حاکمیت بشریت ملحد و است پاسداری می شود. مواضع سوسیالیسم در برابر امپریالیسم تحکیم شده است. خلقهای شورهای تحت تسلط بر امپریالیسم شکست های قاطع وارد کرده و آن را از بخشهای وسیعی از جهان رانده و در بخشهای دیگری مواضع آن را بشدت تضعیف کرده اند.

خلقهای میهن ما نیز در این فاصله با انقلاب بهمن رژیم منغول سلطنتی را از پای در آورده و ضربات بزرگی را بر امپریالیسم جهانی محرز کرده آمریکا بازداشت. انقلاب گرچه با خیانت خمینی و همدستان در خون غلطید، اما علییرغم کینه توزانه ترسناک جنایات مرتجعان حاکم نیروی محرکه و بیوزنه نیروی سرنوشته سازمان یعنی جنبش کارگری و کمونیستی ایران، با پادشاهان و پیرچم رژیم انقلابی و عدالت گستر خرد را همچنان در اهتزاز نگاه داشته است. امروز علییرغم تمام جنایات رژیم، سازمان ما و حزب شما، بشما با داده دهنده گان راستین راه حزب کمونیست ایران و میزبانان راستی ها و جاودانه خیزش عمو و قلموها را پی و رو زبانه با الهام یابنده های خلق مارکسیسم - لنینیسم و ناپایداری استراتژی سوسیالیسم پرولتری امر خیزش دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش مردم ایران را بردوش می کشند.

حزب توده ایران طی ۴۴ سال گذشته در نبرد

خستگی تا پذیرد دشمنان و رشکا رنگه از ایدئولوژی ایدئال ها و اهداف طبقه کارگر ایران دفاع کرده و در این راه شهدای بنیاد رشتا ز کرده است. در این دوران هر یوروشی علیه استقلال و آزادی و ترقی و بهر روزی مردم ایران با یورش به حزب توده ایران همسرا بوده است. ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و خطت انترناسیونالیستی حزب توده ایران بیوزنه آن را آماج شدیدترین و کینه توزانه ترین حملات و توطئه های امپریالیسم و ارتجاع و خاشاکین به خلق و دشمنان طبقه کارگر ایران قرار داده است.

سازمان رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، که جنبش ما را مورد ذلیلانه ترین حملات و اتهامات قرار می دهند، خاشاکین هستند که به مردم و میهنشان تخط کرده و درگاه کلان سرمایه داران و بزرگان مملکت را بوسیده و پیچا امپریالیستها را طلب می کنند. اما علییرغم سرکوب و شکنجه و اعدا و علییرغم همه این کینه توزی ها حزب شما به راه و آرمان خویش وفادار مانده و همچنان برای رها یی و بهر روزی مردم ایران مبارزه می کند.

رفقای گرامی!

در این روزهای دشواری که بر میهن ما می گذرد، در شرایطی که انقلاب بزرگ خلق ما بر اثر خیانت خمینی و دیگر سران جنایتکار جمهوری اسلامی بسا شکست و نا کامی رو بر رو گشته است، مهمترین خطری که داده پیگیر میارزه و چشم انداز پیروزی مردم ما بر امپریالیسم و ارتجاع را تهدید می کند، خطر تشدید تفرقه و تشتت در صفوف جنبش دموکراتیک و انقلابی خلق ما است. در شرایطی که ارتجاع حاکم بر اشرافیت های جنگ افروزانه، سرکوبگرانه و ضد مردمی خود هر چه بیشتر منفرود منفور می شود، در شرایطی که اعتراض توده های خلق علیه رژیم هر روز دامنه بیشتری می گیرد همگامی و اشتراک مساعی همه نیروهای دموکراتیک و میهن پرست ایران و نیز انتخاب ایدئولوژی که میسر شود، مقادمت خلق را با بحران درونی مواجه ساخته فلج نماید. از اهمیت فوق العاده برخوردار است. در این زمینه متاسفانه و نهادهای ویرانگر و بیچاره در میان نیروهای ترقیخواه ایران در جهت ایمن خواست و آزادی و وحدت طلبانه سیر نمی کنند. متاسفانه دشواری شرایط مبارزه در مواردی که به تشدید دشواری ها در مناسبات نیروهای ترقیخواه و نیز در دوران صفوتیان منجر گردیده است.

تشدید این دشواری ها از ما کمونیستهای ایران با پیبندی و استواری هر چه بیشتر روی مواضع ایدئولوژیک، روی مارکسیسم - لنینیسم

سوا کپهای شاه در ساواک خمینی

نود روز آراء بیکی از عناصرو مشورا واک ششاه، در گذشته همایی شاهانه در روسته های سلطنت دروا شکنت اعلام کرده که "از ساواک سابق ما امروزه دستگاهش مشغول فعالیت است، بیکی از این دستگاهها اداره هشتم است (اداره فدجاسوسی) که از روز اول (روز بعد از انقلاب) تا الان کار کرده، و یکی همدستگاه امنیت داخلی است که دست نخورده و بیطور مناسمو کامل باید عرض کنم که دارد کار می کند".

سواواک در مقابل این سوال که "آیا حقیقت دارد گروهی از ما بران ساواک اکنون بقانون مامور" یا "ما به فعالیت ادامه می دهند؟" میگوید: "عده ای از کارکنان ساواک به این شرط از زندان آزاد شده که دوباره به فعالیت های قبلی شان و این بار برای رژیم جمهوری اسلامی ادامه دهند."

همین مامور ساواک در ادامه توضیحش "سیا" در تاسیس

ساواک شاه می گوید: "مهمترین کشوری که در آموزش ساواک نقش عمده را بازی می کرد، کشور اسرائیل بود."

رژیم خمینی علاوه بر استفاده دست پروردگان "سیا" "سواد" آن بخشهایی را که ستون اصلی ساواک شاه بودند، حفظ کرده و به خدمت تا میسر اهداف فیلید خود گرفته است.

سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی تلاش می ورزند برودمندی و سرکوبگری ساواک خمینی برده بکشند و به مردم بگویند که درگان امنیتی و اطلاعاتی ما با ساواک شاه فرسنگها فاصله دارد، ولی مردم بخوبی می فهمند که ساواک خمینی برپا به گادارهای دست پرورده "سیا" و "سواد" ساخته شده است تا باریختن خون دهها هزار جوان، بیایه های کاخ شتمگر فقها را حفظ نماید. اما خلق ما بنگونه که شاه و سواواک اش را کوبیدند خمینی و ساواک و رژیمش را نیز در هم خواهند کوبید و به گورستان تاریخ خواهد سپرد.

در صحنه مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی، ضروری است که باید متعهدانه به آن پاسخ گفته شود.

یکوشم ششمین سال جنگ را به سال اعتراض و مبارزه گسترده علیه جنگ و رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی، زیر پرچم شعار "سرکوب بر خیمین جنگ افروز - زنده باد صلح" مبدل سازیم. با اعتنایات و نظرات علیه جنگ ارتجاعی، رژیم خمینی جنایتکار را به تسلیم و اداریم، با استفاده از هر فرصت مناسب به حرکات اعتراضی علیه جنگی بر خیمیم، مردم را علیه جنگ بسیج کنیم و مبارزه آنها را هماهنگ و سازماندهی نماییم. آنها را از حمایت احزاب، از ما و نهادهای نیروهای مترقی و صلح دوست جهان آگاه سازیم. طبقه کارگر و بخشهای واحدهای صنعتی بزرگ و صنایع کلیدی در وادار ساختن رژیم به پذیرش صلح، نقش تعیین کننده ای بعهده دارند. آنها را بیش از پیش به قطع هرگونه کمک به جبهه ها و برپایی اعتصاب علیه جنگ فراخوانیم و مبارزانشان را هماهنگ سازیم. به حمایت از نظرات موضوعی مردم علیه جنگ و رژیم و میهنشان کنیم.

سرمداران جنایتکار جمهوری اسلامی جنگ طلبند و به میل خودتند صلح نمی دهند. کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه مردم صلح دوست ایران باید با مبارزه متحد خود صلح را به رژیم تحمیل کنند. مبارزه در راه صلح را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هموار می کند.

زنده باد صلح

شعارهای مبارزاتی آنها ترکیب کنیم. در هر کجا که مردم علیه جنگ می رزمند، برای آوازی به حق خود دست به اعتراض و اعتصاب می زنند، علیه با زکشت بزرگ ما لکن با حمایت ارگانهای سرکوبگر رژیم، به مقابله برمی خیزند، علیه ختنساق و استبداد دلبسته اعتراض می کنند. . . با یکوشیم شعار "مرگ بر خمینی" را جاری سازیم و بدینوسیله رژیم را هر چه بیشتر در نزد مردم منفرود کنیم و مبارزه توده ها را بطور مشخص علیه رژیم جمهوری اسلامی هداایت و متحرک سازیم.

فدائیان خلق باید در بسیج و سازماندهی هر چه وسیع تر مبارزه مردم علیه جنگ و رژیم بکوشند. شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز - زنده باد صلح" را هر چه وسیع تر تبلیغ کنند، با کار توده های وسیع محتوای شعار مورد بحث را برای کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان توضیح دهند و توده ها را حول این شعار سازمان دهند. گردآوری توده ها در زیر پرچم شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز - زنده باد صلح" یکی از وظایف اساسی لحظه کنونی است.

فدائیان خلق می گویند تا همراهی و هماهنگی با سر بر نیروهای انقلابی مترقی ای که به همسر سازماندهی و هداایت مبارزه توده ها علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی اقدام می کنند، مبارزه خویش را پیش برند. اینجا دهها هنگی و اتحاد عمل

وانترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه بیگسیر بر این اساس در راه حفظ وحدت و یکپارچگی صفوف خود را طلب می کند. فرا کمونیسم و انشعاب و اقدامات متضاد به اعتبار و موقعا حزب در نظر توده های خلق آسیب می زند و وحدت حزب را در مخاطره قسرا می دهد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران اینگونه عملیات را مردود و محکوم می شناسد. اینگونه عملیات الزاماً به دشواریها می جویدد من میزند.

راه حزب برای علیه بر فرا کمونیسم مبارزه در راه گسترش موازین لنینی در زندگی حزبی است.

رفقای گرامی!

با ایدمناسبات برادرانه میان ما و شما بگونه ای گسترش یابد که سر مشق و راهنمای عمل همه کسان گردد که در این روزهای تلخ با ایدئال های شریف و میهن پرستانه علیه ارتجاع و امپریالیسم بیکار می کشند. امضای سند مشترک تحت عنوان "پیروزی دما بر زه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران" گامی بسپاریم در همین راستا و شمر گرانقدر متشاوره و همگامی های ما و راهگشای و پیروزی دما بر زه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و در راه استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک در کشور ما بوده است.

با اطمینان با یادگفت که سازمان ما و حزب شما با ایداری دمواف مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با وفاداری به اساس نظریه انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران، با جلب حمایت موش، گسترش و تحکیم پیوند خود با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و نیز با برخورداری از حمایت بدیخ جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان، هر چه بیشتر متفرود می شود. در راه اعتنای مقام و موقعیت پیشا هنگ طبقه کارگر ایران در جنبش انقلابی کشور و در راه پیروزی رساندن نام و تمام انقلاب ملی و دموکراتیک ایران پیش روند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تبریک مجدد چهل و چهارمین سال تأسیس حزب توده ایران، برای شما رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز برای همه رفقای توده ای پیروزی های بزرگ در پیشبرد مبارزه انقلابی آرزوی کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۴

نمونه دیگری از فرهنگ ستیزی رژیم

بازدمه تیرماه سال جاری، اطلاعاتی از سوی وزارت ارشاد اسلامی صادر گردید که در نوع خود بی نظیر و واقعاً برانزده جمهوری اسلامی است. این اطلاعاتی که در کتاب "فرهنگ و تمدن" از دکتران به خارج از کشور بیفروستند، موظف می کنند تا به یکدیگر ان اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد مراجعه و مجوز لازم را دریافت دارند. علاوه بر این، اطلاعاتی ضوابطی نیز برای ارشاد کشندگان کتاب اعلام کرده که رعایت آنها "الزامی" است. بر اساس این ضوابط "هر شخصی مجاز است در سال یک بار روبه میزبان ده هزار ریال کتاب ارسال دارد. فرستادن یک کتاب از کتابخانه نیز تحت عنوان کتابهای "نادر" و "فرهنگ لغات معتبر" به خارج از کشور، ممنوع اعلام شده است.

این اولین بار نیست که وزارت ارشاد اسلامی با عمل خویش نشان می دهد رژیم خمینی رژیم جهل و دشمن فرهنگ است. توقیف کلیه نشریات انقلابی و مترقی، جمع آوری اکثر کتابهای علمی، سیاسی، اجتماعی و هنری مترقی و سوزاندن بسیاری از آنها تحت عنوان "کتابخانه"، ضرب و شتم و اعمال فشار بر سه صاحبان کتاب فروشی ها، جمع آوری کلیه کتابهایی که باب طبع سران مرتجع رژیم نیستند از کتابخانه های دولتی، از جمله اقدامات تبهکارانه ای است که سرمداران جمهوری اسلامی در این مدت کوتاه انجام داده اند.

سران جنایتکار و فرهنگ رژیم، بسیاری از نویسندگان و شاعران و هنرمندان متعهد و انقلابی را به جوخا عدا صد میزدند. و با زور سرنیزه بقا بقا و نظریات ارتجاعی خود را به مردم میهن ما تحمیل می کنند. فرهنگ ستیزی از مختصات جمهوری اسلامی و سیاست آن از زمان آغا زبیده است. این اطلاعاتی نمونه ای از هزاران اقدام تبهکارانه این رژیم بر علیه فرهنگ مردم ما است. ستیز با فرهنگ کهنسال و پیرایه ملی ایران با سابقه تاریخی دارد و تنها مختص سران مرتجع جمهوری اسلامی نیست. شاه معدم هم زیاد تلاش کرده فرهنگ منط استعماری را در میهن ما شاع دهد و جلوی رشد فرهنگ اصیل و انقلابی را بگیرد. نه شاه و نه خمینی و نه هیچ مرتجع دیگری قادر نبوده و نخواهد بود با زکا می مردم شوند. ادبیات انقلابی چون از دست زورباز جاعده می جوشد، راه خویش را در میان مردم بساز خواهد کرد و علییرغم خواست ارتجاع در اندیشه مردم جاری خواهد شد.

درگیری شدید

ساکتین محلله، قلعه حسنخان، پاسداران

در اجرای سیاست تخریب خانه‌های مردم در مناطق خارج از محدوده، مزدوران رژیم بنا بر توافق با «قلعه حسنخان» بپوش آورده و خانه‌ها را تخریب کرده و مردم را خراب و بیرون رانده است.

در ساعت ۱۲ شب مزدوران سپاه پاسداران وارد خانه‌های مردم شده و با گذاشتن اسلحه‌های آماده به شلیک بروی شقیقه مردان، تمام اعصاب خانوادها را از خانه‌ها بیرون ریخته و به کمک دستگاه لودر شروع به تخریب خانه‌ها می‌کنند.

پس از روشن شدن هوا مردم شروع به مقاومت کرده و با پاسداران درگیری می‌شوند. آنان پس از گشایش پاسداران موفق می‌شوند اسلحه‌ها را به دست آورند. وقتی که یکی از پاسداران در برابر برشته‌ساز مردم تظاهراتی از جریان می‌کند، مردی از میان مردم چنان مشت محکمی برده‌اش می‌کوبد که بلافاصله نقش بر زمین می‌شود.

پس از آنکه مردم در مقابل خانه‌ها ایستادند و با شلیک مردم درگیری‌ها آغاز شد. مردم خشمگین بدنبال تسبیح و عقیقه تیشینی کردند. مردم خشمگین بدنبال خانه‌ها می‌پایند و اوقات در محل حمله کرده و در غیاب او تمام آثار خانه، از قبیل تلویزیون، فریزر و...

مقابله اهالی "جاده نظامی" با مامورین مهاجم

در محله معروف به جاده نظامی که در ۴ کیلومتری جاده شوشه شهری - ورامین قرار دارد، نزدیک به ۱۰۰۰ خانوار زندگی می‌کنند. اکثریت ساکنین این محله، کارگران صنعتی و ساختمان‌ساز و زحمتکش هستند. این منطقه فاقد امکانات اولیه زندگی، از قبیل آب آشامیدنی، مرکز بهداشت و درمان، برق و غیره است.

تخریب تمامی خانه‌ها و چپا ریدیواری های محقری بود که زحمتکشان این منطقه در آنها زندگی می‌کردند. صدها نفر از مردان و زنان و جوانان محله جاده نظامی به مقابله با ویرانگران برخاستند. کمیته‌های برای ترساندن آنها، نخست اقدام به تیراندازی هوایی کردند. مردم خشمگین تر شده با پرتاب سنگ و آجر به سرکوبگران حمله کردند.

کمیته‌های هاب تعداد دنفرات خود افزوده و تیراندازی را شدت دادند. از ساعت ۱۲ الی ۳/۵ صبح صدای رگبار مسلسل‌ها در فضای منطقه قطع نمی‌شد. پس از تخریب چندین خانه و مجروح شدن تعدادی از مردم، زحمتکشان یکی از لودرهای شهرداری را به آتش کشیدند و با پرتاب سنگ تعدادی از او را کشتند و کمیته‌ها مامورین شهرداری را مجروح نمودند.

مردم خشمگین با پاسداران و فریاد زنان و کودکان و وحشت زده و در زیر چشمان خشمگین مردان به بنسداد کشیده شده تا ساعت ۶ صبح ادامه یافت و طبیعت آن بیش از ۲۰ خانه به ویرانه تبدیل شدند.

اعتصاب در کارخانه "فومنت"

از اختیر ما ۱۰ سال کارگران کارخانه ریسندهی و بافتندگی "فومنت" کیلان دست به اعتصاب زدند. ۱۵۰۰ نفر کارگران این کارخانه بعنوان اعتراض به زدی و اختلاس مدیرعامل و مسئولان انجمن اسلامی کارخانه و با خواست اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل دست از کار کشیدند و خواهان عزل مدیرعامل شدند.

فاجعه اعتیاد

مساله اعتیاد و اشاعه مواد مخدر مدتهاست که به یک فاجعه هولناک در کشور ما تبدیل شده است. وضع به‌حدی وخیم و نگران‌کننده است که حتی مقامات رده بالای جمهوری اسلامی نیز اعراض و عواقب این خطر سخن می‌گویند و سمینار و جلسات مختلف تشکیل می‌دهند.

همکاران خود را نیز برخواستهای قبلی خویش کینه عیارت از مل مدیریتا مل و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بود، افزودند. اقدام قاطع کارگران و ادامه اعتصاب آنان منجر به عقب‌نشینی مسئولین رژیم و صدور دستور آزادی فوری دستگیرشدگان گردید.

با آزادی دستگیرشدگان کارگران اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان در کارخانه تخریب نخواهند نمود. در نتیجه ادامه مبارزه و تحمیل کارگران و بسمه بن دست رسیدن مذاکرات آنان با مقامات مختلف استان، قرارشده آزادی نخست وزیر و نمایندگان مدیرین و انجمن اسلامی و نمایندگان کارگران مذاکره شود. در این فاصله کارگران از تحمیل دست بردارند.

یکی از نمایندگان کارگران در مقابل چشمان حیرت زده با زبونیان نخست وزیر صورت جلسه را پاره نمود و به جای آن مذاکره مستدل و غیر قابل انکاری مبتنی بر اختلاس مدیریت و انجمن اسلامی را ارایه کرد.

پس از آنکه مردم در مقابل خانه‌ها ایستادند و با شلیک مردم درگیری‌ها آغاز شد. مردم خشمگین بدنبال خانه‌ها می‌پایند و اوقات در محل حمله کرده و در غیاب او تمام آثار خانه، از قبیل تلویزیون، فریزر و... را به دست آورند. وقتی که یکی از پاسداران در برابر برشته‌ساز مردم تظاهراتی از جریان می‌کند، مردی از میان مردم چنان مشت محکمی برده‌اش می‌کوبد که بلافاصله نقش بر زمین می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی، به‌شبهه رژیم ارتجاعی و سوداگر، سوداگران مرگ را نیز در بابت خود پرورش می‌دهد. این رژیم با دفاع از فارتگران و بهره‌کشان و انگلیهای اجتنابی، با کشتن درهای کشور بیرونی فارتگران و باندهای فداکاران می‌سودا گویا گذاشت دست مدها هزار مامور و مزدور خود به جان مردم، با ایجاد دخرا اقتصاد و بیبکاری و گران شدن زدن به پاس و تومییدی و سرگردانی در میان مدها هزار جوان و نوجوان کشور، با زمین نبردن امکان تفرهنگی، آموزشی و پرورش و منع تفریحات سالم و با اشاره با اشاعه جوخه‌نشوند و هرج و مرج و ولنگاری، مسئول اصلی اشاعه هولناک اعتیاد و نابودی مدها هزار هم‌میهن ما در خاکستر مرگ تریاک و هرویین است.

آرامی نوبل امیرالیسیم و راه حمایت از انقلاب طلب کرده

با ددا شدت ضروری

دربی آنتشار مقاله "انقلاب ایدئولوژیک یا آپسگرای یا ایدئولوژیک" در کار شماره ۱۸ نشریه مجاهد بی آنکه پاسخی دهد یا بتواند "مصلحت" بداند که حتی بدون آوردن دلیل حرفهای ما را رد کند. چهار صفحه بلند با لادشنام و همت به چاپ رساند و کوشید تا با شلیک سخنها ی سردسبک حقیقت را تسرور کند و به امواج هیاهو بسپارد.

درست همزمان با ساز زبردن این سیل خشم و کین به سوی فدائیان خلق، مسئول اول سازمان مجاهدین، طی مباحثه ای با نشریه "فیلادلفیا" انگواریز با همه ترمش و دقت و طرافت، برای تبرئه از اتهامات مندرج در "گزارش وزارت امور خارجه آمریکا" به دفاع از سرمایه داری و با زار آزاد و اشیات دوری سازمان مجاهدین از مارکسیسم و نزدیکی آن به "ایده آل" های "دموکراتیک" غرب می بردارد. مسعود رجوی به خبرنگار "فیلادلفیا" انگواریز میگوید: "از اطلاعات تا درستی که در اختیار وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفته بسیار بسیار متأسف است. اوستا، اوستا گوید: وزارت امور خارجه آمریکا ما را مساکمیت خوانده است که حقیقت ندارد. ما عمیقاً دموکراتیک هستیم، ما با زار آزاد و سرمایه داری را می پذیریم...." او تصریح کرد که پس از سقوط خمینی، روابط حسنه با آمریکا برقرار می کند و تهاجمات موجود وزارت خارجه آمریکا را ناشی از اخلال گریه سلطنت طلبان دانست. رجوی در این باره گفت: "کسانی که همچنان به شاه وفادارند، یعنی آنهایی که هنوز خواب احیای سلطنت را می بینند، سعی دارند مقامات آمریکا را در رابطه با مجاهدین خلق اغفال کنند! در واقع دوستان مجاهدین سخنها ی ضروراً در جهت اشیات آنچه ما گفتیم است آمریکا دادند و دشنامها ی راکه می بایست به آمریکا بدهند نتواند بیاورند."

و اما کوشش ما این است که با هر خبری و سراجی خود مدعیان نگویند که همت و لازم است برخورد کنیم و دشنام و بدرفتاری هم نمی تواند حتی "یک ویرگول" از نظر ما بسا بدبیا بر آن بیافزاید.

نشریه مجاهدینی توانست و نمی تواند به مسایل مطرح شده از سوی ما، در جهت رد پاسخ دهد؛ چون اولاً این مسایل عین حقیقت آشکار شده هستند. ثانیاً اگر نشریه مجاهد حتی برای یک دفاع ظاهری، مسایل مطرح شده در گزارش را مردود بشمارد، در پیشرفت سیاست جلب حمایت غرب مانع پدید می آید. مگر می شود از یک مومسایل طرح شده توسط ما را رد کنند و از سوی دیگر به اشیات همین مسایل در مطبوعات غرب بهر داند گنا بر این نشریه مجاهدین پاسخ به تکرار اتهام ارتجاع ساخته، پرداخته و فدائیان خلق ایران را به مبارکت در سرگوب مجاهدین متهم کرده است! تکرار این تبلیغات تبیکارانه که به منظور دامن زدن به شدیدترین جوخه صوم میا ن نیروهای مبارز و ایجاد پدیده کشکی میان آنان طراحی شده، حدا علی بی مسئولیتی نشریه مجاهدین را بر خورده با انقلابیون ایران منسوخ می سازد. چنین ادعاها یی جز به عمیق آغشتن کام ارتجاع و امپریالیسم و به زهر آلودن کام انقلابیون و مبارزینی که می بایست دوش به دوش به دوش هم علیه این دشمنان مشترک بزمیند، نیست. رهبری سازمان مجاهدین خوب می داند که در سخت ترین شرایط و در اوج اختلاف سیاسی دوسازمان، بسیاری از فدائیان در اختیار اردوستان ما جاهد خود، چسا و امکان قرار دادند و با به خطر انداختن جان خود امکان اختفاء و فرار برای آنان فراهم کردند. شرافت انقلابی حکمی کننده نگذاریم حقایق، آنهم بگونه ای که دشمنان ما بی خاوند تحریف شود.

نشریه مجاهدین "معیار" مرگ بر خمینی وسط کود پزیده و به خیال مخدوش کردن فعالیت انقلابی فدائیان خلق و به شیوه ای شدت گیری سیاسی و سبک به لجن پراکنی پرداخته است. شایان گفتن است که در حمایت از خمینی، مجاهدین پیش قدم بودند و در دادن شعار مرگ بر خمینی، سلطنت خواهان، امروز هم تنها انقلابیون و نیروهای ترقی خواه نیستند که شعار مرگ بر خمینی را می دهند، بمانا برای این معیار گانه نشریه مجاهدین از همه خودش راه به تنافض وین بستم می کشاند. مساله بر سر چیست؟ یک سال و اندی مشی ما و مجاهدین در رابطه با رژیم خمینی متفاد بودیم، اگر رهبری مجاهدین اهل مساله را در اینجا می دانند یا خاضعت به ما اتفاق هم به تحلیل و برپا دهی آن دوره و جهات مختلف مشی دوسازمان بپردازیم؟ ما اعلام می کنیم که هر یک از مسایل فی مابین ما، با هدف سازندگی و به سبب "انقلابی گرومان"، در هر سطح و به هر شکل مناسب ما، هدایای بررسی کنیم و نتایج حاصله را نیز به اطلاع می رسانیم. همه نیروهای ترقی خواه بتوانند در باره آنها نظر کنند.

از سوی دیگر اگر مساله رهبری مجاهدین نبرد برای سرنگونی رژیم خمینی است، امروز که دوسازمان بر سر این مساله وحدت نظر دارند پس چگونه از این امر برای همکاری و اتحاد دوسازمان در برپا کار امروز بخاطر پیروزی فردا استفاده نمی شود؟ از اینها گذشته مگر سازمانهایی که در سال ۶۰ نیز مشی ای همانند مجاهدین داشتند، امروز دشنامها یی مشابه آنچه به ما داده شد دریافت نکردند؟ همه این واقعیتها اشیات می کنند که انگیزه پر خاشکری و ضدیت نشریه مجاهدین سازمان ما، زمان مسایلی سرچشمه می گیرند که ما آنها را در کار شماره ۱۸ بطور مشروح بررسی کردیم.

باری آنچه در نشریه مجاهد آمده ثابت می کند که تلاشی در کار است که بجای یک مبارزه ایدئولوژیک سالم و سازنده در چارچوب سیاست اتحاد و اتحاد، دوسازمان به میدان ستیزه ای خصومت آمیز و ترغیب افکارانه کشیده شوند. ما این تلاش را به شدت با مساله و نیا زهای جنبش انقلابی کشورمان نمانیسیر می دانیم. ما اعتقاد داریم که همه سازمانهای سیاسی ترقی خواه باید با هدف اتحاد و در راستای مبارزه در راه اتحاد، انتقادات خود را طرح کنند و از هرگونه جوسازی و ستیزه جویی و برخورد ناسالم علیه یکدیگر بپرهیزند. مساله دشمن مجاهدین نیستیم، بلکه واقعا متقدم گسترش دوستی و اتحاد مجاهدین و فدائیان خلق و یکپارچگی مجموع جنبش انقلابی و مردمی میهنمان برپا یه اصولی مردمی و انقلابی، هم خواست عموم مردم زجر کشیده ایران است و همس خواست و آرزوی هر انقلابی صمدی. مبارزه ایدئولوژیک ما نیز از جمله همین هدف را دنبال می کند. ما انتقادهای راکه از سازمان مجاهدین خلق و دیگر سازمانهای ترقی خواه داریم، پیگیرانه طرح می کنیم و در راه برطرف شدن آنها مبارزه می کنیم. بنظر ما توجه دقیق به این انتقادهای و برخوردی و منطقی با آنها طبیعی ترین انتظار است که باید از یک سازمان ترقی خواه داشته باشیم و تنها چنین برخوردی شایسته و مسئولانه است.

مسایلی که در کار شماره ۱۸ زیر نام "انقلاب ایدئولوژیک یا آپسگرای یا ایدئولوژیک" در رابطه با حرکت چند ساله اخیر سازمان مجاهدین خلق طرح کردیم هر یک نیازمند بررسی با زهم بیشتری است. روندهای وابستگی است و راست در عرصه ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی، عمیقاً هلیوبندی دارتسند و یکدیگر را تقویت و تکمیل می کنند و در چارچوب یک روند عموسی کلیت همبسته ای را تشکیل می دهند. اما برای شناخت دقیق این روندها و مبارزه موثر تر با آنها، همچنین با پدیده های بطور مشخصی با زنا سیم، بررسی کنیم؛ زیرا نهای آنرا آشکارا زیم و ضرورت و فوریت و چگونگی خشنی کردن آنرا نشان دهیم. یکی از روندهای منفی در سیاست سازمان مجاهدین، در سیاست آن نسبت به نیروهای سیاسی در مقیاس جهانی، و بطور خاص نسبت به دولت های غربی منسوخ است.

ما در نوشتن با شده گفتیم: "... در حقیقت با بدیگفت رهبری مجاهدین به جای اتحاد با نیروهای انقلابی و دموکرات کشورهایان به جلب حمایت کشورهای غربی و احزاب پسر نفوذ این کشورها روی آورده و به آن دل بسته است." البته ما بسیار خرسند خواهیم شد اگر این اظهار نظر را درست باشد و در آید و دوسازمان مجاهدین عکس آنرا بگویند و عمل کنند، اما متأسفانه روند کنونی سیاست سازمان مجاهدین تنها بردستی این حکم دلیل بدست می دهد. تلاش رهبری سازمان مجاهدین برای جلب حمایت غرب، از سوی دیگر تشدید اختلاف و حتی خصومت بین مجاهدین و دوستان واقعی آنها در کشورهای مساله ای نیست که بتوان آنرا تنها کردیا مسکوت گذارد. از اینرو دیگر گفتگو به بر سر این مساله که آیا رهبری سازمان مجاهدین چنین کاری می کند یا نه، بلکه بر سر سمت و سو، نتایج و سرنوشت چنین راه و روشی است.

یک اشاره تاریخی

یک سال و اندی پیش از رویدادهای خرداد ۶۰، زمانی که مسعود رجوی نامزد ریاست جمهوری اسلامی اعلام شد، سازمان ما پشتیبانی مشروط خود را از وی اعلام کرد. آن زمان هنوز رهبری مجاهدین در تلاش بود تا علیرغم سبک ره خمینی، از طریق انتخابات راهی برای مشارکت در حکومت جمهوری اسلامی بگشاید. در این راستا تنها با تگای حمایت فدائیان خلق بود که راه بسیاری را قریب مسعود رجوی با نامزدهای روحانیت حاکم ممکن می گشت. از این رو رهبری مجاهدین خواستار آن بود که سازمان ما با همه توان به یاری مجاهدین بشتابد، لذا کلمه مشروط را نقیض این خواست می دانست و رسماً از رهبری سازمان ما درخواست کرد تا برای جلوگیری از تزلزل آنرا، در باره کلمه مشروط توضیحی بدهیم. سازمان ما طی مطلبی زیر نام "نگاهی پیرامون برنامه سیاست مجاهدین خلق" در نشریه "کار" (شماره ۲۴ - ۱۵ بهمن ۶۰) به این درخواست پاسخ داد و ضمن حمایت مجدداً از نامزدهای رجوی، مساله مسعود رجوی را توضیح داد. در آنجا گفته شد: "سازمان ما بر اساس شناختی که از سازمان مجاهدین خلق ایران طی سالها مبارزه بدست آورده است و همچنین بر اساس نکات مثبتی که در برنامه سازمان مجاهدین وجود داشت، به منظور تقویت صف نیروهای ترقی خواه و فدا میهن لیست و هدف متفرد کردن سرمایه داران لیبرال، حمایت خود را از کارکنان توری مسعود رجوی در جریسان انتخابات اعلام کرد."

در ادامه مطلب، انتقادات ما به برنامه اعلام شده مجاهدین مطرح شد که نکته اساسی آن چنین بود: "تنها با پیش گرفتن یک سیاست قاطع فدرالیسم داری، با ستم گیری سوسیالیستی است که می توان از زیر سلطه امپریالیسم جهانی بپس کردگی امپریالیسم آمریکا راهی یافت. در این راه خلقهای آزاد شده، خلقهای کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و سوبزه کشورهای اردوگاه سوسیالیستی دوست و پشتیبان مادر این مبارزه محبوب می شوند و این مهم در برنامه مجاهدین از هیچگونه صراحتی برخوردار نیست."

این مطلب باروشنی تمام نشان می دهد که اصلی ترین انتقاد ما به برنامه هم مشی سازمان مجاهدین خلق از زمان سال نخست پس از انقلاب در اساس همین بوده که امروز هست. رهبری سازمان مجاهدین چه بهنگام طرح این انتقاد ما در سال ۶۰ و چه پس از آن هیچگونه پاسخی که نشان دهنده مخالفت آن با مضمون انتقاد ما باشد، نداد. در آن هنگام نیز رهبری مجاهدین در حالی که ناراضی شدید خود را از انتقادهای ما با برزی می داشت، بیش از پیش در همان راه خطا گام می سپرد. رهبری مجاهدین با تمام وعده صراحت "ای، را که ما در سال ۶۰ طرح کردیم در جهت خلاف آنچه ما انتظار داشتیم و آرزوی کردیم بر طرف کرد. بیعتی بجای "در پیش گرفتن یک سیاست قاطع فدرالیسم داری" تا توانست در بر سر ما به داری جبهه های پی کرده و به جای "حدا یست" خلقهای آزاد شده، خلقهای کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و کشورهای اردوگاه سوسیالیستی" به تلاش برای جلب حمایت غرب روی آورد.

سیاست جلب حمایت غرب چگونه توجیه می شود؟

جلب حمایت غرب، چه برای رژیم ارتجاعی خمینی و چه برای اپوزیسیون ارتجاعی آن کمالا توجیه شده است. هم رژیم جمهوری اسلامی و هم اپوزیسیون ارتجاعی و راست آن، در مقیاس بین المللی دوست و متحد واقعی خود را جز در میان امپریالیستها نمی توانستند جستجو کنند. از اینرو آنها آشکارا و بی پروا بر سر جلب حمایت امپریالیستها، به منظور تقویت و تکمیل مواضع خود رفتاری می کنند. در این رقابت طبیعتاً آنکه بیشتر به غرب امتیاز می دهد بر این بهره مند از حمایت غرب با شایستگی بیشتری کسب می کند.

اما سیاست جلب حمایت غرب در رابطه با سازمان مجاهدین خلق، به مثابه یکی از نیروهای ملی و دموکراتیک کشور ما از سابقه طولانی نبرد ضد امپریالیستی و خود را راست بنا بر تعلقاتی جدی پدید می آورد. تلاش برای سرنگونی رژیم خمینی از موضع ترقی خواهانه، با سیاستی که می کوشد از حمایت غرب در برپا کار علیه خمینی بهره مندرد، نمی توانست متقاضی نباشد. امپریالیستها اگر از رژیم جمهوری اسلامی دفاع می کنند، تنها بر این پایه خواهد بود که این رژیم با توجه به مجوسه شرایط موجود در سمت منافذ آنها عمل می کنند. همینطور وقتی از اپوزیسیون ارتجاعی رژیم حمایت می کنند، کلاً بدین دلیل است که آنها را مدافع منافع خود می دانند. حال چگونه ممکن است غرب از نیرویی علیه رژیم خمینی حمایت کند که در عین حال علیه منافع خودش باشد؟ و مجاهدین چگونه می توانند به حمایت نیروهای دلگرم شوند که بر ضد آنها می بایست که برای دستیابی به آنها بی اختیار باشند؟ رهبری سازمان مجاهدین با اعلام اینکه سه غرب و نه مجاهدین هیچیک از اصولشان کوتاه نیامده اند، رابطه منفرج فوق را از سوی مجاهدین یک "تاکتیک" و از سوی غرب یک "جبار" تعریف می کنند:

"با یستی مجاهدین از یک سری اصولشان کوتاه نیامده اند، بی اینکه نخواهند آمد... با اینکه بصورت لاعلاج و برای یک مدت موقت امپریالیسم بپسندند، فعلاً چاره ای نیست و باید دید ما این مجاهدین تن بدهد، برای اینکه"

بهنوائید بعداً آلت ترنا شیوخودش را روی کار بیاورد!
چنین فرمولی، سه استناد این نقل قول، بلکه به گواه آموزشی کسبه نیروهای مجاهدین مجهز شده می شوند، همانا تا لوده شوریک سیاست جلب حمایت غرب از سوی سازمان مجاهدین است. هزاران مجاهد واقعاً فکری کنند که تلاش برای جلب حمایت غرب از سوی سازمان آنها یک تاکتیک موقتی-تأثیر در آرمای نخواهی غذا میریالیستی است، و حمایت غرب نیز صرفاً از سرنا چساری و بدلیل قدرت آنهاست.
برپایه کدام اصول و بگواه کدام تجربه درجهان می توان ثابت کرد که امپریالیسم در عین تسلط یک رژیم ارتجاعی کاپیتالیستی برکشور ما و وجود یک پوزسیسیون ارتجاعی می آید، و نیز در عین پایداری مجاهدین به آماج های غذا میریالیستی خود، صرفاً بدلیل "قدرت" و "موقعیت" مجاهدین به حمایت از آنها بپردازد؟! گر چنین حکمی درست باشد چرا امپریالیسم در آستانه انقلاب بهمن از خمینی حمایت نکرد؟ چرا در آستانه سقوط رژیم ویتنام جنوبی از جنبش انقلابی ویتنام حمایت نکرد؟ چرا امروز از دستهای شکست خورده ضد انقلابی در نیگارا کوکوه و آنگولا و افغانستان حمایت می کند؟ آیا مجاهدین قدرت خود را افزونتر از قدرت خمینی در سال ۵۷ و افزونتر از قدرت انقلابیون ویتنام و آنگولا و جبهه ساندنیست ها در سالهای قبیل از کسب قدرت از ریایی می کنند؟

بررسی چنین آزمون ها و نمونه های بی و یک رجوع ساده به حرکت کاپیتالیستی امپریالیسم در هر نقطه جهان اثبات می کند که تاکتیک امپریالیسم نه بر پایه قدرت و ضعف نیروهای سیاسی بلکه بر پایه تائین منافع خودش و بر این پایه که هر نیروی سیاسی تا چه حد می تواند به چنین منافع خدمت کند تنظیم می گردد. این ادعا که امپریالیسم علیرغم منافعتش بطور موقت "ناچار" است از مجاهدین حمایت کند بگویی بی پایه است. این حکم نیز که امپریالیسم بخاطر آرزوهای انقلابی و ترقیخواهانه و آزادمنشانه و بیخاطر بیایان دادن به حاکمیت ارتجاع از مجاهدین حمایت کند نیز از پیش باطل است و دوستان ما بدهد امتحان قبول ندارند. پس چه دلیل واقعی برای حمایت غرب از مجاهدین وجود دارد؟ بنظر ما یک دلیل اساسی و آنهم نقشه غسرب برای جذب مجاهدین است. سیاست جلب حمایت غرب از سوی مجاهدین، خود برترین دلیل را برای امیدوار شدن غرب به پیش برد چنین نقشه ای بدست می دهد.

غرب حمایت از سازمان مجاهدین را به موازات کاربست اشکال و بیسازه حمایت و تهدید و ترغیب رژیم جمهوری اسلامی و نیز حمایت قاطع و همه جانبه از پوزسیسیون ارتجاعی رژیم موروثی قرار داده و اشرع عملی حمایت از سازمان مجاهدین را نیز به همان میزان افزایش می دهد که اشرع عملی حمایت مجاهدین از غرب آشکارا شود و افزایش یابد.

اکنون جنبه دیگری مساله را بررسی کنیم و ببینیم این ادعا که سیاست جلب حمایت غرب از سوی مجاهدین صرفاً یک تاکتیک موقتی است و اقتصاد و عمل و نیز در تئوری چه معنا و محتوایی دارد چه نتایجی بیایم آورد.
چند سال پیش از این مسعود رجوی در جزوه "پراگما تیسیم (موزنیهای دربار سازمان) شماره A" مطالبی را بیان داشته که ما می توانیم عین آنها را بعنوان دلیلی روشن بر برد نظریات کنونی رهبری مجاهدین و حتی بعنصوان پاسخردمان در برابر این نظریات آرایه کنیم. در آن جزوه گفته شد: "خطراین است که در یک برخورد سطحی به بهانه نوحیال اینکه حرکتان اصولی است و در ضمن از ماهیت نیروهای موروثی بطور شوریک اطلاع داریم و در عین حال هشیا رانه حرکت می نمایم، برای جذب این نیروها ناگزیر امتیازات ایدئولوژیکی به آنها داده و به آنها تزییدات تزییم به تصور اینکه امتیازات امتیازات تاکتیکی و فوری بوده و کنترل جریان در دست است. در صورتیکه در چنین شرایطی که با درموضع ضعف قرار داریم نزدیکی نیروهای ارتجاعی دوری از نیروهای مترقی را در بر دارد. برای اینکه بتوانیم به این منافع نیروهای ارتجاعی نزدیکی تزییم مجبوریم با نیروهای مترقی فدیت گردیم و با آنها قتل به آنها هم بدیهیم و روشن است که با توجه به مگانیزم که بدیهه و دافعه نیروها، ما به چه موضعی کشیده خواهیم شد." (تاکید از ما)

بهنواست که این مطالب را خود مجاهدین دوباره و دوباره بخوانند و ببینند که سیاست کنونی سازمان در برابر نیروهای راست و ارتجاعی غسرب در یکجا و چگونه با مضمون این مطالب انطباق می یابد.
آری، سخن ما نیز با مجاهدین این است که شما "به بهانه نوحیال اینکه حرکتتان اصولی است" و "هوشیا رانه" حرکت می کنید، برای جلب غسرب "تاگزیرا متیازات ایدئولوژیکی (وسایی) به آنها داده و به آنها تزییدات تزییم می شوید، شما "برای اینکه به این نیروهای ارتجاعی نزدیکتر شوید مجبورید" با نیروهای مترقی فدیت کرده و با حداقل به آنها هم بدهید. ما گفته قدیم شما را با صدای رسا برای خود شما تکرار می کنیم که "نزدیکی نیروهای ارتجاعی دوری از نیروهای مترقی را در بر دارد". شما وقتیکه از این گفته ما خمگین می شوید، از گفته های گذشته خودتان را از گذشته خودتان نیز خمگین می شوید. "نزدیکی نیروهای ارتجاعی دوری از گذشته خودتان را نیز خمگین می شوید. همه این مطالب امروزاً واقعی است با خصم عینی روزمره هستند که به آسانی می توان آنها را دید و لمس کرد و بطع تلخ شان را چشید.

شریات شما که تنها به امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان و دیگر دولتها و نیروهای عمده ارتجاعی جهان نمی تازند، بلکه با افتخار لیست افراطی، حمایت سران و کارگزاران و نمایندگان همین دولتها و نیروها را به شما می کشد. در عوض ببینید که به چه کسانی می تازید؟ آیا دقیق تر بگوییم که با کدام یک از نیروهای ترقیخواه ایران نمی تازید و کدام یک را آماج بدترین دشمنی ها و کین تزییم نمی کنید؟

تاکتیک جلب حمایت غرب ملزوماً تا در آنکه بدون آنهاست این "تاکتیک" معنی پیدا می کند و نه مقصود برآورده می شود. بزرگترین و پیگیرترین دشمن امپریالیسم، کمونیستها و کشورهای سوسیالیستی هستند. یکی از اساسی ترین معیارها برای اعتماد امپریالیسم به یک نیروی سیاسی همان میزان دوری چنین نیرویی از کمونیستها و کشورهای سوسیالیستی است. معیار دیگری امپریالیسم - که مکمل معیار نخست است - میزان نزدیکی چنین نیرویی به غرب است. چون ممکن است نیرویی ضد کمونیست باشد در عین حال بطور مطلقاً دوست و متحد مطلوب غرب نباشد. سیاست تکیه بر حمایت غرب در تداوم خود، و بر اساس وجودیت و تداوم خود، به نای چار در درجهت "امتیاز" می دهد. چنین سیاستی از یک سو قدم به قدم خود را با کمونیستها و نیروهای انقلابی چپ افزایش می دهد و به خصومت با آنها می پردازد، و از سوی دیگر گام به گام خود را با الگوهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موروثی قبول غرب نزدیکتر نشان می دهد. بنا بر این سیاست جلب حمایت غرب، که جبراً سیاست نزدیکی به غرب را نتیجه می دهد، محتوای استراتژیک و برنامهای پیدا می کند.

مسعود رجوی در همان جزوه "پراگما تیسیم... گفته است: "حتی به درم نظر قرار دادن صرفاً اکتساب قدرت سیاسی به هر بهایی، حتی به قیمت فساد کردن اصولی که فرا بود قدرت سیاسی در خدمت تحقق آن باشد عین پراگما تیسیم است. در این صورت کسب قدرت بصورت هدف مطلق در آمده و فوق اصول قرار می گیرد.

این گفته را هر می توان پاسخ دیگری رهبری مجاهدین به خودش تلقی کرد و واقعیت این است که برعکس تمایل منطقی شده در این گفته، امروزه سیاست سازمان مجاهدین خلق اصول فدا ای، کسب قدرت بر هر قیمتی می شود. خصومت غذا میریالیستی، فدیت با سرما به داری و نزدیکی و دوستی با کمونیستها و انقلابیون چپ، یعنی رشته ای از برجسته ترین اصول مجاهدین خلق، در دست دفاع از سرما به داری، دوری و ستیز با کمونیست - لنینیستها و نزدیکی به غرب ساید می شوند. مجاهدین با برداخت چنین قیمت می توانند قدرت کسب کنند. برداخت چنین قیمت قدرت را از آنها دورتر می کند. قدرت از آن مردم و از آن آماج های انقلابی خواهد بود. جای مجاهدین نیز در به مردم است و نبردها با بدر خدمت استقرار قدرتی باشد که به مردم تعلق دارد و آنرا برآی تحقق اصول انقلابی شان می خواهند. ★★

بدینگونه تا زبانه انتخابی با زرگان، برآی این دوره پایان یافت. در یک طرف این انتخابات رژیم ارتجاعی قرار داشت که تلاش می کرد انتخابات ارتجاعی خود را به مردمی که بزور شلاق و شکنجه از کوچکترین حقوقی محروم ساخته، تحمیل کند، و در طرف دیگر نیروهای انقلابی و ترقیخواه که قاطعانه این نمایش سرخه را تحریم کرده در این میان با زرگان و ویران نشیها همسر و عده خمینی بدل از کف دادند و دست خرنیزینا به ما هیت خسود علیرغم حکم شورای نگهبان ارتجاع حاضر نشدند در کتا مردم قرار گیرند، و آنان را از "امضای سند سارت" محروم کردند. در دبا زرگان، در مردم نیست، و امنا زله با ارتجاع را ترجیح می دهد و انتخابات یک بار دیگر اینرا نشان داد.

انتخابات سالیسی
در حال حاضر احزاب و جریانهای سیاسی اپوزیویت بویژه جریانهای پیرو با ملاحظ "کمونیسم اروپایی" بصور گوناگون آنترنا سونا لیسم پرولتری را نفی کرده و به تنگ نظری نا سونا لیستی درمی غلطند. در حالی که انکار آنترنا سونا لیسم، مواضع طبقه کارگر را در هر کشور در مبارزه علیه سرما به تضعیف کرده و طبقه کارگر را کشورها از همبستگی بین المللی محروم می سازد. مبارزه در عرصه بین المللی و ملی دو جنبه مبارزه طبقاتی پرولتاریاست. این دو جنبه را نمی توان بطور گانه دیگری جدا کرد. وجود این دو جنبه در تلفیق مناسب آنها می تواند به وجه مشوری در پیشبرد آماج کمونیستها موثر افتد.

امروز برای کمونیست ها شرط پایداری به اهداف و آرمان آنترنا سونا لی اول، درک دقیق از مضمون آنترنا سونا لیسم پرولتری و روند تکوین آن، بصورت مناسب و وظایف ملی و بین المللی و دفاع قاطع از همبستگی بین المللی کارگران است. در این راستا دفاع قاطع از سوسیالیسم و اقفا موجود و نیز در علیه تلاشهای امپریالیسم و ارتجاع برای بدنام کردن اردوگاه سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری اهمیت بسیار برزگی دارد.

"نهضت آزادی" رندانه کوشیدتا همه ارتجاعی گیری، دیکتاتوری و آزادی کشی این نهاد ارتجاعی سیاسی را به کمونیسم نسبت دهد و تنفر مردم از برکزیدگان خمینی را به سوی کمونیسم سوق دهد و همه کتافات و پیلیدی های سیستم منفور و سرما به رژیم مدافع آن را در هیا هوی بی شرمانه ضد کمونیستی نشان سازد. با زرگان حتی زمانی که ارتجاع حاکم اینگونه اورا پس می زند و تحقیر می کند با زهم "تالنت" مبارزه با کمونیسم را فراموش نمی کند. چرا که و مدافع سرما به داری است و پیش از آنکه با ارتجاع مخالف باشد با کمونیسم دشمنی دارد. چرا که کمونیستها می از آن پیگیر راه استقلال، آزادی، عدالت است و اجتماعاً و بنا بر روی نظام سرما به داری هستند. و سرگونی جمهوری اسلامی را قدم اول در این راه می دانند. ولی با زرگان خواهان استقلال نیست، آزادی را فقط برای خود گروه خودش می خواهد، دشمن عدالت اجتماعاً است و از نظام سرما به داری و جمهوری ارتجاعی مدافع آن دفاع می کند. شورای نگهبان ارتجاع با زرگان را حذف کرد، اما با زرگان با لایحه حاضر شد برخلاف آنچه که وعده داده بود انتخابات را تحریم کند. عدم تحریم نشان داد که این گروه با آشکارا در آزان است که حتی به وعده خود نیز وفا کند و "خطر" چنین کسانی را برای خودش برد. در مرداد امسال با زرگان در محاصره با تلویزیون "جنبش ملی" در کالیفرنیا مصرا نه تلاش کرد تا خمینی را متوجه کند که او و شرکا پیش انتخابات را تحریم نکرده اند، و گفت: "ما تحریم نکردیم، ما گفتیم که ما شرکت نمی کنیم مردم خودشان می روند".

بازیهای انتخاباتی
بقیه از صفحه اول
تا مین نماینده، نهضت آزادی... در انتخابات با شرکت نموده نامزد نیضمعرفی خواهد نمود، در غیر اینصورت بناچار انتخاباتی را که بدین ترتیب فساد و عدم مشروعیت آن آشکار شده باشد، تحریم خواهد کرد.

وقتی خمینی جلاد، گشایش مجدد دفتر "نهضت آزادی" را آجا زده داد، "نهضت آزادی" ۱۱ شرط گذاشت: ۱- خویشتن را مسکوت گذاشت و به بازی گرفته شدن در نمایش انتخاباتی رقابت با دموکدی با زرگان را آکا ندیدای ریاست جمهوری کرده بدین ترتیب از نظر آقا با ن، "دولت مردان"، جنا پیکار به میزانی "امنیت انتخابی" و انتخاباتی شونده گان، را آج دی گرفته بودند که شرکت "نهضت آزادی" در انتخابات مجاز باشد؛ با رد دیگر معلوم شد که این نظر قای با زرگان دوستان نش، حقوق ملت" و تا مین عملی "امنیت انتخابی" کندگان و انتخاب شونده گان "معنسی و مفهومی بیشر از زکشی دفتر آنها ندارد!

اما جمهوری اسلامی ارتجاعی تر و دیکتاتور تر از آن است که حتی به لیبرالیتهای "نهضت آزادی" که هیچ فرصتی را برای ابراز قافا داری به "نظام جمهوری اسلامی" از دست نمی دهند و همواره تا کید می کنند که "پوزسیسیون قانونی حضرت امام" هستند نیز آجا و شرکت در انتخابات بدهد. در نتیجه نام با زرگان نیز توسط شورای نگهبان ارتجاع از لیست کاندیداها حذف شد.

با حذف با زرگان، با رد دیگر "حاکمیت ملی" نقض شد و نهضت آزادی "شورای نگهبان ارتجاع را به کمونیسم متهم ساخت!! البته همانطوریکه انتظار می رفت با زرگان به حذف خود اعتراض کرده در اعتراض خود نیز ما هیت خویشتن را به نما یین گذاشت. در این اعتراض گفته شده است: "شورای نگهبان باگزینش به تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی که حزب حاکم ایران است بعنوان نامزدهای انتخاباتی مردم را از داشتن حق انتخاب محروم نموده و بیجا دنباله روی از الگوهای کشورهای کمونیستی به اسلام خیانت کرده است"

به یاد روحانی مجاهد آیت الله طالقانی

۶ سال پیش در روز ۱۹ شهریور روحانی مجاهد آیت الله طالقانی درگذشت. وی سالها علیه استبداد امپریالیسم و علیه دیکتاتور شاه و برای آزادی مبارزه کرد. او سالها زبانی از همسرش را بخاطر آرمان آزادیخواهانهاش در زندان گذراند. طالقانی در دوران مبارزه علیه دیکتاتور شاه و در برابر فشارهای محافل ارتجاعی روحانیت ایستادگی کرد و رابطه خود را با سایر انقلابیون هرگز قطع نکرد. او بعد از انقلاب همچنان در ضرورت اتحاد همه نیروها علیه امپریالیسم تأکید می نمود.

آیت الله طالقانی از آنجا که در زندان، از نزدیک با مبارزات فدائیان کمونیستها و مقاومت قهرمانان آنها در برابر دژخیان و شکنجه گران رژیم شاه آشنا شده بود و پیگیری استواری آنها را در مبارزه با ظواهرهای ملی ویرانده خشن استبداد او ششمارا شاهد بود، همواره نسبت به آنان به دیده احترام می نگریست.

آیت الله طالقانی در جهت خلاف خواست مردم ایران مرتجع جمهوری اسلامی همواره می گفت: "از نزدیک مشاهده می کنید که این انقلابی است که همه مردم در آن شرکت دارند. از همه مردم برای همه مردم شروع شده و هیچ حزب و جمعیتی هم حق ندارد برای خودش سهم بزرگتری در نظر بگیرد و از این جهت حکومت را در آنجا خود را در آورده. این خصوصیت اصل است و باقی مسائل فرع این مسئله می باشد."

اوبه نقش مردم و تشکلهای آنان در ادارات جامعه اعتقاد داشت و می گفت: "... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داده اند". طالقانی به نفس آرایه های مردم آزادی حکومت همدارمی داد و مردم را علیه استبداد برمی انگیزید. او در آخرین سخنرانی خود در روز ۱۷ شهریور که در واقع وصیت نامه او است، از استبداد که زیر پرده دین "عرضه می شود، شکوه کرد و آنرا "خطرناکترین تحمیلات" نامید و گفت "هنوز مردم مستضعف ما با ورمی کند که رسالت... انقلاب ما آزادی است. چون کمتر عمل دیده اند". او و بدلیل ترشیب حساب خود را از سردمداران انحصارطلب جمهوری اسلامی جدا می کرد.

آیت الله طالقانی بدلیل همین آماج های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه، بدلیل همین مواضع ترقیخواهانه و مورد احترام همه سازمانهای سیاسی ترقیخواه و مورد خشم روحانیت مرتجع بود، اعتقادات و اندیشه های دموکراتیک طالقانی، بیاد او را زینت می دهد و نام او را نزد مردم زنده می دارد.

اعتباسی، از قبیل نفوذ، خرابکاری عمدی، تفرقه افکنی و تطبیق کارگران را کشف و به نکای کارگران خشی سازد. وظیفه انضامات تنها حفظ نظم صرف اعتبار نیست، بلکه مهمتر از آن تا مین انضام درونی اعتبار هشیاری کامل در برابر برهنه نمودن نشانهای از مداخله پلیسی و همچنین کنترل نظم و جلوگیری از حرکات و اقدامات آنرا نسبت به مردم کارگران اعتبار است. توطئه های پلیسی عمدتاً بواسطه کم تر جنبی و بی نظمی کارگران اعتبار است به نتیجه می رسد. مثلاً تخریب ابزارها، تصفیه حسابهای شخصی و یا درگیری های بدنی با مدیران فلان عوام را فرماتنها تنها کمکی به بسیج گسترده تر توده کارگران حول شعارهای اعتبار نمی کند، بلکه فضا را متشنج، نظم اعتبار را مختل و امکان بهانه جویی پلیس برای سرکوب اعتبار را بیشتر می کند. بی نظمی اعتبار، آن روی کمبسته پرووکاسیون پلیسی است. اعتبار بدون سازماندهی اعتبار، سازماندهی بدون سازمان رهیبری کند. اعتبار بی نظمی، کمبسته اعتبار، و کمبسته اعتبار بدون انضامات آن همواره آسیب پذیر خواهد بود. در شرایط کنونی که رژیم ارتجاعی حاکم امکانات اطلاعاتی و پلیسی اش را متمرکز کرده است، اهمیت شکل و انضام ط در جنبش توده های کارگری بیش از هر زمان دیگری آشکارا می شود. بیگ اعتبار خود بخود نیروی توانمند را بی آن حرکت به خواسته های بلاواسطه اش دست یابد. او تش مبارزه را شطه و ترسناک سازد، اما به آنچه که نیاز حیاتی و عاجل جنبش کارگری است، پاسخ نمی دهد. نقطه ضعف جنبش توده های صنعت شکل است. مهمترین ملایر شدن جنبش اعتراضی کارگران درجه بسیج و شکل توده کارگران است نه نتایج مستقیم بلاواسطه این حرکت. لذا، پیشروان و فعالین کارگری باید به هم ویژه و غیر قابل تفویض خود را در سازماندهی تشکلهای مخفی رهیبری کند. مبارزات جاری کارگران اینها است. گام اول تشکیل و تحکیم هسته های مخفی فعالین کارگری بویژه سازماندهی کمبسته های اعتبار است.

ایران، بویژه در آذربایجان داشت. بی سبب نبود که جوانان میهن ما در آستانه انقلاب فریاد برمی آوردند: "صدمعلم ماست، راه صمد راه ماست"

صدمندوبنده ای رثالیست و انقلابی، نوآزوپکی از بنیانگذاران ادبیات انقلابی کودکان و نوجوانان بود. در شرایطی که سایه شوم سانوربر همه جا گسترده بود، صمد آثار متعددی به زبان ساده و عام فهم نوشت و از این راه در روشنگری جوانان و کودکان و آشناس نمودن آنها با فرهنگ انقلابی کار بی بدیلی انجام داد. صمد با نگرانی و نواکاری انقلابی را در بین کودکان و نوجوانان تبلیغ و ترویج می کرد. وی در آثارش با بیان دردها و معائب مردم، آنها را مبارزه برای دگرگونی نمودن وضعیت موجود دعوت می کرد.

گرچه درگذشت نا بهنگام صمد، جامعه ما را از وجود نویسنده و معلمی انقلابی و دلنوسم مردم کرد، اما راه او جاودانه ماند.

با وجود اینکه سردمداران مرتجع و کمبسته اندیش جمهوری اسلامی تاکنون هزاران معلم انقلابی و مبارز را زندان افکنده و به زیر شکنجه کشیده اند، صمد تا از آن راه جوخه اعدام سپرده و هزاران نفر از مصلحین مردمی و دلسوز را از کار خارج کرده اند، با همه اینها معلمین زحمتکش میهن ما از بی نشسته اند، آنها به همراهدانشان آوزان خویش به سیل خروشانی خلق علیه رژیم ارتجاعی و استبداد ای جمهوری اسلامی می پیوندند.

رهبری هر چه موثرتر همه اشکال مبارزات صنفی - سیاسی کارگران و افشاء و خنثی کردن پرووکاسیون و شیوه های کار پلیسی رژیم و بویژه سازماندهی کمبسته های اعتصاب برای ستاد و سازماندهی اعتبارات، وظیفه مقدم و درنگ ناپذیر پیشروان کارگری است. کارگران در مبارزات روزمره خود از طرح مطالبات گرفته تا اقدام به اعتصاب همواره و هر آنجا باید مدگی مقابل به انواع توطئه های پلیسی رژیم را داشته باشند. این مسئله بویژه در شرایط تارک و سازماندهی اعتبارات ضرورت ویژه ای کسب می کند. بهر ای مقابل به موثر بدیهی است که باید تشکلهای سازماندهی اعتبار ایجاد یک سازمان رهیبری کند یعنی اعتبارات را به صورت خودمختار و در واقعیت که امکان اعتبار وجود دارد، هسته های مخفی کارگری باید تلاش کنند که این کمبسته ها را تشکیل دهند و در صورت عدم تشکیل آن خود باید وظیفه کمبسته ها را برای هدایت موثر اعتبارات به عهده گیرند. سازماندهی اعتبار، یعنی که اعتبار با بسط اعتبارات در سازماندهی اعتبارات، کمبسته اعتبار با بدخواسته های صنفی - سیاسی مشخص کارگران را شناسایی و تنظیم کند، تقسیم کار لازم را بر مبنای تلفیق وظایف عینی و مخفی فعالین کارگری بوجود آورد، تدابیر قبلی برای جلب پشتیبانی احتمالی دگر بویژه بخش های اصلی و مهم کارخانه را فراهم سازد، بسا تمام نیروی در جلب کارگران متفرد و مورد اعتبار توده کارگران به حرکت اعتبار بکوشد، به اعتبار مطالبات مبرم و مشخص کارگران شعارهای اعتبار را تعیین کند، نوع واکنش مدیریست و رژیم را محاسبه کند، پیش بینی لازم را در مورد معرفی یک هیات نمایندگی از میان کارگران اعتباری برای رهبری عینی اعتبار بنماید و خود فعالانه در مدارک چنین هیاتی بکوشد، با تعیین شرایط و مدارک در این اعتبار محدود، ما توریستها را نمایندگان در برابر مدیریت دولت را مشخص سازد، جدا بنظر فرد مذاکره، پیشروی یا عقب نشینی تا تکنیکی و نحوه مقابل به سرکوب احتمالی رژیم و آمادگی توده کارگران را محاسبه نماید و کارگران را برای مقابل به آگاهانه با عوارض اعتبار تجهیز و آماده کند. به مقتضای شرایط و اهمیت کارگران اعتبار را با اشکال دگر بوی چون شخص در مراکز اصلی، تطهیرات در محوطه کارخانه، برگزاری میتینگ، سخنرانی و صدور قطعنامه اعتبار تکمیل کند. تا مین مالی اعتبار، تشکیل صندوق اعتبار و یا تبدیل صندوق های عینی موجود مثل صندوق قرض الحسنه که بطور متعارف و وظیفه دگر دارد به صندوق اعتبار، انشأ روانکاس اعتبار اعتبار به واحدهای دگر و تعیین این مسائل که اعتبار از کدام نقطه و چگونه شروع شود (سازماندهی) که آمادگی بیشتری برای شروع اعتبار دارد) همه و همه به عهده کمبسته اعتبار است.

اما این سازماندهی تا کافی و آسیب پذیر خواهد بود، چنانچه یک نکته اساسی و مهم نادیده گرفته شود و آن سازماندهی انضامات اعتبار است. اصطلاح پیکت (PICKET) یا گروه انضامات کارگری برای اعتبار، در فرهنگ مبارزات کارگری جای ویژه دارد. بخش مهمی از سهم پیروزی و شکست یک اعتبار در درگیری چونگی یا نمانده هسته انضامات اعتبار است. کمبسته اعتبار، هسته انضامات اعتبار را از زمان می دهد تا اقتساب اقدامات توطئه گرانه و پلیسی کارفرما و دولت باشد و انواع مختلف پرووکاسیون رژیم علیه کارگران

یاد صمد گرامی باد

نهم شهریور ۱۷ سال از درگذشت صمد بهرنگی از پیشگانمان جنبش انقلابی و نویسندگان برجسته ادبیات انقلابی ایران گذشت. او در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، خفقان و دیکتاتور کم سابقه ای را بر میهن ما حاکم کرده اند، هرگونه صدای حق طلبی و آزادی خواهی را به شدت سرکوب می کرد و فرهنگ منحط و پوسیده استعماری را با غم می داد. علیه ظلم و جبهی و استبداد دنیا خاست صمد که به سوسیالیسم عشق می ورزید، با الهام و آموزش از مارکسیسم - لنینیسم کودکان ایرانی را با روحیه پیکار رجویی پیروش می داد. در روستاهای آذربایجان روشنگری می کرد و مردم را به مبارزه علیه نابرابری فرا می خواند. صمد بهرنگی یکی از راه گشایان مبارزه فدائیان خلق بود، با همه وجود خود زحمتکش و ورع ایشان را در درگیری کرد و بدستی تنها راه آزادی آنان را مبارزه منظم و منسجم علیه رژیم وابسته به پهلوی و سرنگونی آن می دانست. از این رو به ستاره ها کاری و همفکری همسرش از انقلابی خویش، امیر پرویز پویان، بهروز دهقانی، کاظم سعادتسی و علی رضا نابدل، برای بسیج نیروها علیه رژیم شاه تلاش می نمود. اگرچه درگذشت نا بهنگام صمد مانع از آن نشد که همه استعداد های وی در این زمینه بکار گرفته شود، اما نوشته های او تا پیش از بزرگی در پرورش روحیه انقلابی جوانان و معلمان توطئه های پلیسی ...

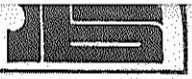
بقیه از صفحه اول

استدابعنوان عناصر مشکوک و مظنون به همکاری با رژیم توج کارگران را برانگیخته و بر سرعت منفرد شده اند.

یکی دیگر از وظایف کمیته ۵ نفره و کمیسیون آن، ایجاد هماهنگی میان خانه کارگر، انجمن های اسلامی، بسیج کارگری و اداره حراست است در کارخانجات و متمرکز اطلاعات پلیسی آنها در چارچوب برنامهای وزارت اطلاعات است. اقدامات پلیسی ارگانهای فوق الذکر به جمع آوری اطلاعات محدود نمی شود. رژیم با تشکیل وزارت اطلاعات و متمرکز امکانات پلیسی اش، وظایف متنوعی را به مقتضای شرایط و امکانات ارگانهای مختلف پیش روی آنها گذاشته است.

"بسیج کارگری" برای نفوذ دادن عناصر تازه استخدام خود در میان فعالین کارگری از آنها می خواهد که در محیط کار خودشان را عناصر مبارز و فعالی بنمایند و سعی کنند توجه و اعتماد کارگران فعال را جلب نموده و در میان آنها نفوذ کنند. بسیاری از عناصر امنیتی های اسلامی بطور آشکارا از طریق جاسوس و خبرچینی با رژیم همکاری می کنند، برخی از آنها بطور مخفی در ارتباط با بسا و وزارت اطلاعات قسرات دارند و حتی در مواردی برای جلب اعتماد کارگران دست به استغفای مصلحتی می زنند و چهره افراد را راضی را بخود می گیرند. چندی پیش بخشنا مسه محرمانه ای از جانب اداره حراست نخست وزیر و خطاب به مدیران مادر شد که از آنها خواسته شده بود که چندتن از "افراد مناسب" انجمن اسلامی را جهت همکاری با آن اداره معرفی کنند. لازم به تذکر است که اداره حراست نخست وزیر هم اکنون به یکی از ارگانهای وزارت اطلاعات تبدیل شده است. علاوه بر اینها، وزارت اطلاعات اخیراً اقدام به تهیه فرمهای نموده است که مشخصات و سوابق کارگران را در واحدهای مهم صنعتی سرور بطور مختلف جمع آوری و ثبت می کند. این طرح بخشی است از طرح کلی پرونده سازی وزارت اطلاعات برای عموم مردم به شیوه سازمانهای اطلاعاتی کشورهای سرمایه داری.

آخرین نمونه سازماندهی توطئه و تحریکات پلیسی در کارخانجات، دستور العمل محرمانه ای است که اخیراً بسا به پاسداران به عناصر نفوذی اش در برخی از واحدهای بزرگ داده است. طبق مفاد این دستور العمل، عناصر امنیتی اسلامی و دیگر عوام رژیم برای مقابل به اعتبار با بدبوسی کنند با ایجاد دعوای ساختگی و حتی خرابکاری و حریق عمدی، و تعیین رایج وجود رتبه ها هم اعتبار از مسیر اصلی اش منحرف شود، و هم بهانه لازم برای مداخله و سرکوب کارگران اعتبار بدست با صلاح تیروهای انضامی می بیفتد. طی ماههای اخیر کارگران، شاگردان و مختلف توطئه های پلیسی رژیم در کارخانجات بوده اند و در بسیاری از موارد نیز موفق شده اند این توطئه ها را به موقع کشف و خنثی کنند. شناسایی عناصر نفوذی بسا به پاسداران در میان فعالین کارگری در اعتبارات کارخانجات فرخ و نازخ قزوین و افشاء و طرد آنها از نمونه های بارز همین است. کارگران در مقابل تحریکات پلیسی رژیم است. کارگران در برابر سازماندهی و متمرکز سازی انکانات اطلاعاتی رژیم، پیش از هر زمان دیگری نیازمند ایجاد تحکیم سازمانهای مبارزاتسی خود هستند. تشکیل هسته های مخفی کارگری برای



آزمایش جدید سلاح ضد ماهواره های توسط آمریکا

دولت آمریکا در تداوم برنامہ های خود برای نظامی کردن فضا، بعد از آزمایش جدید ضد ماهواره دست زد. بدین حال این آزمایش پنهان گون اعلام کرد که در نظر دارد استقرار سیستم سلاح ضد ماهواره را تا سال ۱۹۸۷ به پایان رساند.

استقرار سیستم سلاح ضد ماهواره بعنوان جزئی از سیستم "ضربه اول" می باشد. مطابق این برنامه می بایست موضوعی را ضمیمه ماهواره های شوروی را از زمین برده و ماهواره های آمریکا را حفظ نماید.

آمریکا با انجام آزمایش جدید ضد ماهواره ای دور جدید سابقه تسلیحاتی در فضا را آغاز کرد. ایمن آزمایش زمانی صورت می گیرد که مذاکرات بر سر قطع سابقه تسلیحاتی در فضا در ژوئن نماندگان آمریکا و شوروی ادامه دارد و در راستای همین امر در کشور در ماه نوامبر با هم ملاقات نمایند. آزمایش جدید سلاح های ضد ماهواره نشان می دهد که دولت ریگان بدون در نظر گرفتن مذاکرات، همچنان قصد دارد که برنامه های خود را در مورد "جنگ ستارگان" ادامه دهد.

دولت اتحاد شوروی برای جلوگیری از سابقه تسلیحاتی در فضا، دو سال قبل بطوریکه سابقه اعلام کرد که استقرار سیستم سلاح ضد ماهواره ای در فضا نیازمند توجیه است. اتحاد شوروی در تمام ایمن مدت برای این تعهد می بیند و ولی دولت ریگان بی توجه به اقدامات مثبت و سازنده اتحاد شوروی، همچنان در مورد گسترش برنامه های تسلیحاتی خود در فضا است. خبرگزاری تاس اعلام کرد که اگر آمریکا به آزمایش های خود در زمینه های سلاح های ضد ماهواره ادامه دهد، اتحاد شوروی تعهد می کند که سلاح های خود را نیز در فضا آزمایش کند.

آزمایش جدید سلاح ضد ماهواره توسط آمریکا، با موج جدید اعترافات نیروهای مسلح دو سیستم و ترقی خواه در کشورهای هلند، جمهوری فدرال آلمان و بسیاری دیگر از کشورهای و همچنین در خود آمریکا و شوروی است. مردم مسلح دوست جهان از دولت ریگان می خواستند که آزمایش ضد ماهواره را متوقف کرده و به سابقه تسلیحاتی در فضا خاتمه دهد.

گرد همایی - لواندا

در ماه گذشته کنفرانس وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد در لواندا پایتخت آنگولا برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان ۹۹ کشور و نمایندگان تعدادی از سازمان های انقلابی و مبارز شرکت داشتند. در کنفرانس مسائل جنبش غیر متعهد و مسائل خادجهان امروز مورد بررسی قرار گرفت.

کشورهای غربی در تمام طول مدت برگزاری کنفرانس تلاش نمودند که سمت گیری بینا بینایی را بر جنبش غیر متعهد تحمیل نمایند و بدین وسیله مانع اخذ مواضع مترقی و نزدیک به کشورهای عضو به کشورهای سوسیالیستی شوند. دولت آمریکا زیر شعار "فاصله سازی از غرب و شرق" می کوشد جنبش غیر متعهد را از جامعه کشورهای سوسیالیستی که پیگیرانه از این جنبش حمایت می کنند، دور کند و در مقابل آن قرار دهد، ولی با وجود این تلاش ها در کنفرانس غیر متعهد ها امیرالایم جهانی به جهت سیاست های جنگ افزون و تجا و زگرانه اش بر صندلی اتهام نشاندند.

در این نشست ایراد شده در جلسات کنفرانس و در کمیسیون ها بر ضرورت مبارزه در راه و اما منین صلح جهانی و قطع سابقه تسلیحاتی تاکید شد.

شرکت کنندگان در کنفرانس لواندا موقعیت جنوب آفریقا را مورد بررسی قرار دادند و خواستار آن شدند که بقویت بر اقبال نامیبیا توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی خاتمه داده شود. کنفرانس به "تسلیم ماندلا" زندانی رژیم آفریقای جنوبی در دفتر استوا نمود. در این کنفرانس تاکید شد که اعلام همکارانی از کشورهای غربی با رژیم آفریقای جنوبی، یکی از دلایل عمده حفظ نظام نژادپرستی در آفریقای جنوبی است. در سندهایی کنفرانس تاکید شد که بایدگان ها را تشنج در جهان از زمین برود. کنفرانس از دولت اسرائیل خواست که نبردهای نظامی خود را از مناطق اشغال خارج سازد و حقوق حقه مردم فلسطین را برسمیت بشناسد. نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس لواندا، سیاست مدخله گرانه دولت ریگان در آمریکا را مریز و دریایی که را شیب را محکوم کردند. کنفرانس خواستار آن شد که اقیانوس هند به منطقه صلح تبدیل گردد.

در سندهایی کنفرانس همچنین خواسته شده است که مناسبات اقتصادی بین المللی بر بنیاد حقوق مساوی کشورهای ریزی گردد و بر غارت کشورهای

نویا توسط انحصارات بین المللی خاتمه داده شود. تا بدینوسیله کشورهای در حال رشد را در گردن نهاندا و امکانات خود را برای تقویت اقتصاد ملی متراکز نماید.

سند نهایی کنفرانس نشان آشکارا و واضح ترقی خواهد داشت جنبش غیر متعهد و حاکم از شکست تلاشی که کشورهای امیرالیستی در به نحصراف کشاندن این جنبش می باشد.

پیرامون مذاکرات افغانستان و پاکستان

پنجشنبه شب پرورد روز بود در جدید مذاکرات بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان در باره حمل و فصل مسایل مطروحه از طریق نماینده شخصی دبیرکل سازمان ملل متحد آغاز شد. دور اول این مذاکرات حدود سه سال قبل آغاز گردیده بود. کسه بدلیل کارشکنی های امیرالیسم و ارتجاع منطقه و با لایزال رژیم ضیاء الحق نتایج مشخصی از آن حاصل نشده است.

در سده اختلافات میان پاکستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان در این است که یکسای از پیروزی انقلاب شوروی ۱۹۵۷ و برقراری حاکمیت انقلابی در افغانستان، با یکسان به پایگاه اصلی جنگ اعلام نشده امیرالیسم و ارتجاع، غلبه جمهوری دموکراتیک افغانستان تبدیل گردیده است و با نده های فداکاری و مزدوران فئودالها و ارتجاع افغانستان در پیش از صادر دوگاه واقع در خراسک پاکستان زیر نظر مریدان و جاسوسان آمریکا بی و پاکستانی و برخی دیگر کشورهای امیرالیستی تربیت و تسلیح شده، به افغانستان فرستاده می شوند. آنها به قصد برهم زدن اوضاع افغانستان، موسسات اقتصادی، مدارس، بیمارستانها و منفرج نموده و از هیچگونه جناحی فروگذا ر نمی کنند.

حاکمیت انقلابی افغانستان که خواهان صلح در منطقه و زندگی صلح آمیز است با همسایگان خود می باشد، برای حل و فصل مسایل اوضاع پیشیندات صلح آمیزی ارائه نموده است که پایه و اساس اصلی برای حل مساله می باشد. طبق این پیشیندات قطع تمام اشکال داخل خارجی در مورد افغانستان و عدم تجدیدن و دادن تضمین معتبر بین المللی و پذیرش حق حاکمیت، استقلال ملی و تمامیت ارضی این کشور خواهد بود. در این صورت، امر عادی کردن مناسبات با کشورهای همسایه، وضع آوارگان افغانی و حضور اجداد و محدودیت های شوری که بنا به خواهی دولت قانونی افغانستان در آن کشور اقامت دارد، حل خواهد گردید.

عدم پیشرفت پروژه صلح و فصل مسایل اوضاع منطقه و همچنین به نتیجه نرسیدن این مذاکرات، ناشی از ادامه و گسترش دخالت نیروهای ضد انقلاب از خاک پاکستان و حتی مدخله علنی عوامل رژیم نظامی حاکم بر پاکستان در امور افغانستان جهت تضعیف و به عقب برگرداندن روند انقلابی در این کشور می باشد. وقایع ماههای اخیر گواهی این مدعا است. از جمله اینکه جندی پیش تمسدادی از جاسوسان پاکستانی در افغانستان، حین اجرای ما موریت خرابکارانه خود دستگیر شده و در زندانها حبس گردیدند. این حاکم سرار ما موریت خود را فاش ساختند. نظامیان حاکم بر پاکستان که از حضور افغانها در انقلابی در همسایگی خود بیم دارند، دائما توسط امیرالیسم آمریکا در حربه می شوند به حساب و مبدل گیلان، پاکستان را به انبساط و وسعت تبدیل کرده اند. حتی در آستانه همین مذاکرات، آمریکا در باره ارسال مقدار زیادی اسلحه ترعی و از جمله موشک به پاکستان تصمیماتی اتخاذ کرد. به نظر می آید مطبوعات امیرالیستی به کمک ارتجاع منطقه نیروی عظیمی را جهت از میان برداشتن حاکمیت انقلابی در افغانستان اختماس داده اند. پس از پیروزی انقلاب در افغانستان بیش از ۱/۵ میلیارد دلار توسط امیرالیسم نوکرانی صرف مقابله با انقلاب افغانستان شده است. "بیان بزرگترین عملیات جاسوسی و خرابکاری را بعد از زویتنام در مورد افغانستان بکار بسته و اکنون برای خرابکاری در افغانستان مزدورانی از بین نظامیان سابق آمریکا درویتنام استخدام می کنند.

در این میان مواضع رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران از همان ابتدا همسوی مواضع امیرالیست و بر طرح های هذیان آلودوخالی استوار بوده است. مواضع بنیادین ارتجاعی رژیم تا بنیاد نجات که از شرکت در این مذاکرات غیر مستقیم خودداری نموده و بیایگا های بسیاری را در نقاط مختلف سینمان در اختیار جناحیکاران و آشرا افغانی قرار داده و به رتیق و تفتق اختلافات و بوجود آوردن وحدت میان این جانبیان مشغول است و از فرستادن عوامل مسل خود به داخل خاک افغانستان و دخالت مستقیم نیز کوتاهی نمی نماید.

آنچه که پاکستان را به شرکت ناکزیر بردارین مذاکرات واداشته است، از یک طرف برمی گردد به نومیذی آن از تغییر دادن مسیر انقلاب شوروی در

افغانستان و از طرف دیگر ناشی از وضعیت بحرانی نسبی جامعه پاکستان و نتوانشی نظامیان حاکم با جنبش مردم آن کشور علیه اختناق و استبداد در پاکستان است. علاوه بر اینها باید سالها و ارگان افغانی و بیاندهای ضد انقلابی را که سبب افزایش مشکلات رژیم نظامی ضیاء الحق شده اند، نیز افزود.

اما علیرغم تمامه های سیاسی و کینه توزیهای امیرالیسم و ارتجاع، کاروان انقلاب ثورا افغانستان استوار به راه خود ادامه می دهد. حاکمیت و نظام اجتماعی - اقتصادی نوین در کشور روبه تشبیب می رود و خلق افغان به کاروتلاشی عظیم خود در راه تحولات بنیادی جامعه و نامین صلح و امنیت در کشور و منظمه ادامه می دهد.

تشکیل شوراهای مردمی در افغانستان

نیمه دوم تابستان امسال، انقلاب نظرمند شوروی بر مشربتشبیب و تمیق خودگام بزرگ دیگری برداشت و به پیروزی سیاسی بزرگی نایل آمد. حکومت انقلابی این کشور همسایه و برادر، پیاده کردن قانون ثوراها بمانند ارگانهای قدرت محلی حکومتی را در دستور کار قرار داد و انتخابات ثوراها (جرگه ها) را آغاز کرد.

طبق مصوبه شورای عالی انقلاب، همه شهروندان افغانی از حقوق کامل و مساوی برای انتخاب کردن نمایندگان خود و نیز انتخاب شدن بر خوردار نشدند و هیچگونه محدودیت و تبعیضی در ملی، مذهبی، اجتماعی و غیره اعمال نمی گردد. ماهیت عمیق دموکراتیک این ثوراها مردمی، انتخابات بنیاد تمام دموکراتیک را اقتصفا دارد و متقابلا بر خوردار دموکراتیک انتخابات بیش از پیش از پیشیندات و انقلابی این ثوراها را تضمین کرده است.

با تشکیل این ثوراها، اداره امور کشور چه در سطح ملی و چه در هر واحد اقتصیبات جغرافیایی کشور افغانستان قانونا بدست توده های مردم سپرده می شود و روندی که علامه نهادت پیش می رود، خلعت قانونی و رسمی بخود می گیرد. طبق قانون ثوراها که قبلا به تصویب ثورا عالی انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان رسیده است، ثوراها محلی بمانند ارگانهای دارای اختیارات وسیع قانون گذاری و اجرایی در امور محلی، در جمیع عرصه ها و شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محل فعلا نقش ایفا می کنند و انتخاب شوندگان همه مطالبات و مشکلات انتخاب کنندگان خود را حل و فصل می کنند. این ثوراها، حلقه مستحکم پیوند توده های مردم با ارگانهای قدرت هستند و نیز حلقه و اصل مردم انقلابی ما میسرند.

ثوراها مردمی، پایه توده ای قدرت انقلابی را در کشور بنحویترومندی توسعه بخشیده، انقلاب را در کشور ترعی و وسیعی از قدرت خلاصه و بیکران توده ها بر خوردار خواهد ساخت و شرایط را برای مشکل تر آرد که ترشد توده های وسیع مردم خواهند آورد. ثوراها محلی زمینه ساز شدن ترشدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمانند به حزب رهبر سازنده کشور خواهد گردید و بدین شکل آنها روند نفرا ضد انقلابی از پیش تسریع خواهد شد. قدرت دفاع از خود را در برابر ضد انقلاب افزایش خواهد یافت و امنیت انقلابی که پیش شرط روندهای رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است، گسترش خواهد یافت.

برگزاری انتخابات ثوراها محلی که هم اکنون بنحویت مبدل پیش می رود، و تاکنون نیز در منطقه وسیعی از کشور بطور موفقیت آمیز به پایان رسیده است، پیروزی سیاسی بزرگی برای انقلاب روبه پیش مردم سرفرازا افغانستان دموکراتیک محسوب می گردد. بهمین دلیل است که ضد انقلاب آموزش دیده و تجهیز و تسلیح شده توسط امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا و شرکای مرتجع آن از جمله رژیم آمریکایی ضیاء الحق، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و شونیستهای چینی بشدت خشمگین اند و به هارتترین اقدامات متوسل می شوند. با زتمامی نیست که امیرالیسم خبری شایدانه می کوشد این پیروزی بزرگ مردم افغانستان را ناچیز جلوه دهد و آنرا بدست اسکوت برگزا ر کند، و با در سطح انتخابات شهرداری نوع غربی جلوه دهد.

اما همه این تشببات بیهوده است زیرا که انقلاب افغانستان از مدتی پیش دفاع با براندانه از دستاوردهای خود را با تعرض انقلابی به مواضع ضد انقلاب و ارتجاع روبه زوال آغاز کرده است. تشکیل لایسوی جرگه (شورا بزرگ) در اوایل بهار امسال و بدین حال آن تشکیل ثوراها محلی قدرت در نیمه دوم تابستان همین سال، در زمره موفقیت های عظیم سیاسی است که نصیب مردم آزاده افغانستان مستقل و دموکراتیک شده و بمانند ضربهات مرکیا و روحا شکا می است که بر یکسر ضد انقلاب و ردمی گردند.

پایدار باد صلح جهانی

افزودن فدائیان خلق

رفقای انقلابی و مبارزان، طی ماههای اخیر همچنان بی‌پیکرو استوار به افشای بی‌ایمان رژیم پادشاهی پرداخته و در مبارزات کارگزاران، دهها انسان و زحمتکش را میهنمان نقش آگاکرانه و سازمانده شده داشتند، در هر فریاد اعتراضی زحمتکشان و رنج‌بینده میهن ما علیه رژیم پادشاهی و استبدادی جمهوری اسلامی، فدائیان خلق کوشیدند تا ضربه‌ها را متوجه آنها و سازمان زمان دهند، طی ماههای اخیر، با گسترش تبلیغات سازمان در سراسر کشور، حضور فدائیان خلق در صحنه مبارزه مردم چشمگیر و تحسین برانگیز بود، این امر خشم دشمنان چنانچه را برانگیخت، در زیر کوشش‌های خود تلاش فدائیان خلق در سراسر کشور برای آگاهی‌بخشیدنگان را منتشر می‌سازیم:

تهران - طی ماه اخیر فدائیان خلق در تهران، اعلامیه‌ها و تراکت‌های تحریم انتخابات، راهپیمایی‌ها و باطوری گسترده پخش کرده و در همان حال در سراسر شهر انتخابات ریاست‌جمهوری، تبلیغات شفاهی را گسترش دادند، رفقا شعار تحریم انتخابات را در کارخانه‌ها و محله‌های گوناگون شهر نقش کردند.

طی ماههای اخیر فدائیان خلق در تهران با انتشار اعلامیه‌ها و تراکت‌های متعدد، در تانک کسار ارتجاعی جدید رژیم پادشاهی نقش کردند، در پی آزادی اعلامیه‌ها آمدند؛ کارگزاران مبارزان، زیر بار این قانون ارتجاعی نیروی پادشاهی و گسترش جنبش خود، بخاطر حقوق مترقی کارگران و تدوین قانون کاری و افتخار مترقی و مردمی، که تنها می‌تواند برای مبارکت و فلاح نمایندگان شما تهیه شود، مبارزه کنید!

واحدهای پخش سازمان در تهران، طی ماههای اخیر با رها در خیابانهای جمهوری اسلامی، سپه، فلاح، عباسی، امیراکرم، با لفاظی، سلسبیل، قمرالهدایت، خوبی، سه راه آذری، طرشت، انقلاب، هاشمی، ۱۳ آبان، نواب، ورزش، فدائیان اعلام، آذربایجان، کشتارگاه، بلوار کثافت‌رو، رودکی، محله‌های دولت‌خانه، شهرک ولی عزم، ناز، آباد، خزان، سیما، افسر، و همچنین در میدان نرمان، میدان شوش، میدان قزوین، میدان آزادی، میدان اصلی شهر، میدان انقلاب، میدان ابوذر... همچنین وسیله‌ها و علنی اعلامیه و تراکت پراکنش دادند. طی این فعالیت‌ها تبلیغات گسترده به دلیل همکاری مردم با رژیم‌مندان فدائی هیچ آسیب به آنها نرسید و دشمنان در بردمان آنها خندان تا کام شدند، همچنین واحدهای تبلیغاتی سازمان شعارهای فراوانی به مناسبت‌های گوناگون در مبارزات عمومی و محلی‌ها و پرقوت آمد، کارخانجات، مسدود، آوارات، دانشگاه‌ها، توبوسها، کیوسکهای تلفن...

گسترش مبارزان شهرهای میهنمان توسط رژیم بدمنش مدام و لجاجت خمینی جنگ افروزی را داد ما جنگ و کشتار مردم بیگناه و دشمنان فدائی خلق به مبارزه علیه جنگ و رژیم پادشاهی افزودند تا با هم‌پیوستگی دادند، رفقای ما در تهران و سایر شهرستانها طی این مدت مبارزه مردم خشمگین از جنگ و رژیم سازمان دادند و تبلیغات وسیعی را علیه جنگ و برای آزادی پخش کردند، تراکت‌های متعددی توسط آنان در این رابطه منتشر و وسیعاً پخش گردیده است. در صدانهای آنها آمده است:

... «هم‌میهنان! اعتراض علیه جنگ و مبارزه بخاطر استقرار صلح، وظیفه عاجل و مقدم هر ایرانی میهن پرست است.» «موظفان! تنها راه پایان دادن به جنگ، اعتراض متحد و یکپارچه شما علیه جنگ و رژیم است.» «مردم زحمتکش ایران! شعار جنگ، جنگ تا پیروزی» و شعار «موثک جواب موثک»، شعارهای شما مردم صلح طلب و میهن دوست نیست. این شعارها، شعارهای رژیم مرتجع جمهوری اسلامی است که هدفی جز سلطه جویی و کشورگشایی ندارد.» «هم‌میهنان! مبارزان! گسترش زحمتکشانی! پایان جنگ در کشور و اعتراض شما علیه جنگ و مقاومت همگانی شما مردم در مقابل جنگ طلبی سران رژیم است.» «موظفان! لجاجت رهبران جمهوری اسلامی در ادامه جنگ، سراسر شهرهای ایران را به آتش و خون کشیده است... بسیاری جلوگیری از قربانی شدن هر چه بیشتر جوانان در میدانهای جنگ و مردم بی‌پناه شهرها زیر بمبارانها، فریاد اعتراض خود را علیه ادا می‌کنند و جنگ و بسیاری برقراری آتش بس بلندکنند.»

فدائیان خلق در تبریز، در روز قدس بلافاصله پس از اقامت یک موثک رژیم جنایتکار و ضد مردمی عراق، به یکی از محله‌های مسکونی شهر تعداد زیادی اعلامیه و تراکت علیه صدام، برچسب زدند.

فدائیان خلق در تبریز، در روز قدس بلافاصله پس از اقامت یک موثک رژیم جنایتکار و ضد مردمی عراق، به یکی از محله‌های مسکونی شهر تعداد زیادی اعلامیه و تراکت علیه صدام، برچسب زدند.

جنگ و رژیم جنگ افروزمینی پخش نمودند و با افزایش فعالیت‌های جنگ طلبانه رژیم پادشاهی، فدائیان خلق مردم را بر سرای رفتن به محصل حادثه تشویق کردند. مردم شهر که از جنگ و جنگ افروزان خسته شده‌اند، خود تراکت‌ها را بر دیوارها می‌چسباندند. پاساژان ارتجاعی از این امر مطلع گردیدند، بلافاصله راه‌پیمان کرده و عده‌ای را دستگیر کردند. واکنش به موقع و سریع فدائیان خلق در تبریز مردم را شادمان ساخت و آنها را به تصحیح فرزندان مبارز خویش واداشت.

آذربایجان - تبریز - فعالیت گسترده فدائیان خلق در تبریز، خشم مسئولان حکومتی را برانگیخته است. سرکوبگران برای جلوگیری از پخش اعلامیه‌های سازمان ما که همه شب‌بوت می‌پذیرد، گاه شبها چراغ‌های خیابانها را خاموش نمی‌کنند و دستها را گشای می‌افزایند. رفقای ما نیز با سوجوسی از این تراکت‌ها گوناگون از جمله قرار دادن اعلامیه‌ها در درجه هواکش توبوسهای خط واحد بر روی سقف آنها، به پخش آنها در تانک می‌ورزند. همچنین بارها دیده شده است که اتوموبیل‌های سواری در حین حرکت اقدام به پخش تراکت و اعلامیه نموده به سرعت از محل دوری می‌شوند. در کارخانجات تبریز، علیرغم بازرسی‌های بدنی مکرر در جلوی درب ورودی کارخانه‌ها، شاتر کومپی و پخش اعلامیه‌ها از سازمان با ابتکار رات گوناگونی صورت می‌گیرد. این ابتکار رات رفقای ما با استقبال کارگران مواجه گردیده است.

چلچاق - در چلچاق افزایش چشمگیر شعارها و مبارزات در پیروان و شهر، مسئولان حکومتی را نگران کرده است. این شعارها که عمدتاً علیه جنگ و رژیم پادشاهی است، با استقبال مردم مواجه شده و حکومتیان را وادار ساخته است که تا به روزگی اکیب‌ها یا برای پاک کردن آنها با رنگ و سردهای به خیابانها گسیل دارند.

عمده‌ترین در عملکرد کارگر، افزایش فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان با بحث شده است که کمیته رفعت و آمده را پس از ساعت ۷ شب کنترل نماید. کمیته به قهوه‌خانه‌ها دستور داده است که اس‌اس است - شب مفا‌زه‌های خود را ببینند و افراد مشکوک را به کمیته معرفی نمایند.

اورومیه - فعالیت‌های تبلیغاتی فدائیان خلق در اورومیه، پخش وسیع افواقی تبلیغاتی و افشاگرانه علیه رژیم مسئولان حکومتی را به دست و پا انداخته است. پخش اعلامیه‌های گوناگون کمیته مرکزی سازمان و واحدهای محلی همه روزه در تبریز و آذربایجان منتشر می‌گردد. چندی پیش فدائیان خلق از برای ساختن پرشکانشان و افسس در خیابان خیام، مفا‌دیر زیا دی اعلامیه پخش کردند که با استقبال مردم مواجه شد. ما موران بلافاصله خود را به محل رساندند، اما قبل از رسیدن آنها مردم تراکت‌ها و اعلامیه‌ها را با خود برده بودند.

خراسان - مشهد - رفقای رژیمزنده ما در مشهد، طی ماههای اخیر تراکت‌ها و اعلامیه‌های زیادی منتشر و بطور وسیعی پخش نمودند. اعلامیه‌های فدائیان خلق «خراسان در باره قطع فوری جنگ و برقراری صلح»، «آزادی زندانیان سیاسی» و «موروت اتحادیه نیروها برای سرنگونی رژیم فئودرالی جمهوری اسلامی»، به میزان وسیعی توسط واحدهای پخش سازمان در خراسان پخش گردید و با استقبال مردم مواجه شد. گسترش فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان در خراسان و نقش فدائیان خلق در نظارت بر هرات بزرگ یک هفته‌ای مردم مشهد که گزارش کامل آن در روزنامه کنسار انعکاس یافت، حکومتیان را سخت برآشفته است. این روزها حضور فعال فدائیان خلق در مبارزات مردم علیه جنگ و علیه رژیم در بین مردم مشهد، مورد بحث و گفتگو است. مردم به طرق گوناگون از مبارزه فرزندان انقلابی و رژیمزنده خویش حمایت می‌کنند.

کابل - طی ماههای اخیر اعلامیه‌ها و تراکت‌های گوناگونی توسط رفقای ما در پشت پخش گردید و شعارهای گوناگونی در رابطه با قطع فوری جنگ و برقراری صلح و آزادی زندانیان سیاسی، بر دیوارها نوشته شد. شماره‌های گوناگون تبلیغاتی کار با قواعد مختلف در مقابل کارخانه‌ها و محله‌ها پخش گردید. در چندین نقطه از میدان انقلاب در شهرت طی این عت‌های مختلف اعلامیه‌ها از سازمان پخش شد. در محله‌ها و فقیرنشین شهرت مردم با اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان پخش و تیز برد دیوار چسبانده می‌شود.

بندرانزلی - در اوخر دهه‌ها، در حین نمایش فیلم در سینما هلال بندرانزلی، رزمندگان فدائی اقدام به پخش تراکت‌های سازمان در باره جنگ نمودند. این امر خشم مسئولان را برانگیخت و آنها را وادار ساخت تا روز بعد در هنگام ورود تماشاگران چسبان آنها را بگیرند.

کمونیست‌های ایران و عراق علیه جنگ کمفوانس مطبوعاتی مشترک

بنیاد است‌آغازشمن سال جنگ ایران و عراق رفیق مهدی فتاپور با تفیق نما پیندگان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس با شرکت خبرنگاران کشورهای مختلف جهانی شرکت کرده و با تشریح مایب و فاجیع این جنگ خونین و مبارزات مردم دو کشور علیه جنگ به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ گفتند. رفیق مهدی فتاپور و نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنان خود حاداً علیه نشان کردند که «سیاست‌های این جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی و سران آنها بر ادا ماهه جنگ تلافی همه نیروهای صلح طلب را خنثی کرده است. از ادا ماهه جنگ تنها اسامی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه نبود برده و میگرد. بهانه جنگ اجرای اسامی امپریالیسم آمریکا را در افزایش حضور نظامی خود در منطقه و گسترش پایگاه‌های نظامی در سومالی و مصر و عمان را تسهیل کرد. این نیروها بعنوان حربی‌ای علیه همه خلق‌های منطقه بکار گرفته میشوند. در ادا ماهه کنفرانس و تشریح تاثرات مخرب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنگ، رفیق مطرح کردند که «مردم ایران سخا لفا‌ا ماهه جنگند. امتناع جوانان از رفتن به جبهه‌ها و نظارت عظیمی که در ماه‌های گذشته در اغلب شهرهای ایران نظیر تهران، اصفهان، تبریز و مشهد و ششاداد ماهه جنگ تا به یک فقرت نمودند، از رژیم جنگ طلب خمینی است. ما از همه نیروهای صلح دوست و مترقی سراسر جهان میخواهیم تا مردم ایران و عراق را در مبارزه برای برقراری صلح یاری دهند. نماینده حزب کمونیست عراق در سخنان خود خاطرنشان ساخت که «هر دو رژیم ایران و عراق از ادا ماهه جنگ برای سرکوب نیروهای دموکراتیک استفاده میکنند. درگیری‌های نظامی رابطه‌ای تنگاتنگ با سرکوب‌های خونین عراق دارد. وی تلاش‌های حسرت آمیز کمونیست‌های عراق جهت پایان دادن به جنگ تشریح کرد و تاکید نمود که «حزب کمونیست عراق با هر نوع تمحیلی از طرف هر کشور راجی که مخالف میسلیو آزادی انتخاب مردم عراق باشد مخالف است» این کنفرانس مطبوعاتی مشترک نشانه‌ای نبود مسیلبک از تلاش برای ادا ماهه کمونیست‌های دو کشور در مبارزه مشترک برای صلح.

جشن پر شکوه روزنامه اومانیت

در روزهای ۲۲ و ۲۳ شهریورماه اصال جشن پر شکوه روزنامه اومانیت ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه برگزار شد. در این جشن که بنیاد است و یکمین سالگرد روزنامه اومانیت و پنجاهمین سالگرد جشن اومانیت برگزار شده بود بیست و نه هزار نفر شرکت کردند. برگزار آری این جشن پر شکوه با مسیح دندان شکنی به تبلیغات فرسوز و زی بود که می‌کوشند حزب کمونیست فرانسه را تضعیف و منفرقت نمایند نمایند. در محوطه جشن نمایشگاهی بسع میسازنده کمونیست‌ها در نهضت مقاومت تحصیلی یافته بود ۸۳ کشور جهان در این جشن که بنیاد نلسون ماندلا نگسازری شده بود شرکت داشتند و همه شرکت‌کنندگان حمایت خود را از مبارزات مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید اعلام کردند. غر ف مشترک نشریه کار و نشریه نامه مردم در این جشن که تصویر از جناحیات رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه مردم ایران علیه این رژیم را از امداد مورد با دیده‌دها هزار شرکت‌کننده جشن قرار گرفتند باز دید کنندگان را زفرقه ایران متن نامه‌هایی را که در آنها به گفتار و ختتاق در ایران و تداوم جنگ‌آلوان عراق و اعتراض شده بودا معاض کردند. هیات نمایندگی سازمان بریاس رفیق مهدی فتاپور در جریان جشن ملاقات‌های مهمی با هیات‌های نمایندگی احزاب برادرانجام داده و آنها را در جریان آخرین تحولات ایران قرار داد. در این ملاقات‌ها احزاب کمونیست این کشورها را دیدگر میسستی خود در با کمونیست‌های ایران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشتند.

لشت‌نشا - فعالیت گسترده تبلیغاتی فدائیان خلق در لشت‌نشا، سبب شد تا انجمن اسلامی و مرتبطان حزب الهی شهر که از آگاهی مردم هراس دارند، وحشت زده شده و برای چاره جویی جلسہ تشکیلی دهند. این مزدوران حکومت طی اعلان خود تصمیم گرفتند برای چندمین بار از ارکانهای سرکوب رژیم برای جلوگیری از فعالیت انقلابی رزمندگان فدائیان اقدامات بی‌فایده.

از میان گزارشها

بحران اقتصادی و اخراج کارگران

در نتیجه بحران اقتصادی و سیاستهای جنسک افروزان رژیم، بسیاری از کارخانجات کشور با خوابیده شدن یا کمتر از نصف ظرفیت خود - کار می کنند، از اینرو مسئولان دولتی و مدیران کارخانجات با بیانه های گوناگون اقدام به اخراج کارگران و کارمندان - بویژه کارگران مبارز - می نمایند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی که مدافع سرمایه داری است با بستن بحران و جنگ را هر چه بیشتر برگزیده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار می دهد. طبقه کارگر و کارمندان زحمتکش میهن ما در برابر این بیگانه پرده خاکی و تشدید روزافزون اخراجها، اعتراضات خود را گسترده ترمی سازند. اخبار زیرگویی این وضع است:

— اخیراً مسئولین کارخانه پلاستیکا زابل - است کمبود مواد اولیه و پایین آمدن ظرفیت تولید کارخانه، ۱۵ نفر از کارگران این کارخانه را اخراج کرده اند. آنان در بنفردار بند ۲۵ نفر دیگر از کارگران را نیز اخراج نمایند. در نتیجه این اقدامات تعداد کارگری و منفردت کارگران این کارخانه از رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای جنگ افروزان و بحران زای آن افزایش یافته است.

— مدتی است که سپاه مدیریت کارخانه کویاتو و را در دست گرفته است. مدیریت ما مور از طرف سپاه بلقان اقدام به اخراج ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه نمود. این اقدام با اعتراض شدیداً کارگران کارخانه روبرو شد. کارگران معترض به وزارت کار مراجعه نمودند و خواستار بازگرداندن همه کارگران اخراجی بر سر کارها شدند.

— به دنبال ورود بی رویه کابل اترکیه، محصولات تولیدی کارخانه کابل سا ای - ایران "ایکو" در بازارهای ما مانده و بفروش نرفته است. از اینرو مسئولین کارخانه بنا بر شیفت کار را یک روز در میان کرده و تعدادی از کارگران معترض را اخراج کرده اند. این امر باعث اعتراض کارگران اخراجی مواجه شده است.

— اخیراً مسئولین صنایع فولادها هوا زبه بهانه عدم تأمین بودجه برای پرداخت حقوق کارگران از طرف دولت، و بیعت تعطیل کارهای ساختمانی حدود ۲۰۰ نفر از کارگران بخش ساختمانی را اخراج کردند. این امر خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت.

— در شرکتها ما را گنیز ۳۰۰ تن از کارکنان را اخراج نمودند. غالباً کارخانگان، کارگران زن هستند. در کارخانه و نیروگاه نیز تعدادی از کارگران را به بهانه های گوناگون اخراج یا باز خرید نموده اند.

— در کارخانه "کندم بار" وابسته به سازمان غله ایران ۳۰ نفر از کارگران به بهانه مشکلات مالی اخراج شدند.

اعتراض کارگران به تعویق حقوق

بحران مالی رژیم جمهوری اسلامی و عدم پرداخت به موقع حقوق ماهانه کارگران و کارمندان باعث تشدید و گسترش اعتراضات آنان شده است. کمیته کارخانهای است که حقوق کارگران را به موقع پرداخت نکند. اکنون کارگران برای دستگیری به حقوق خود، به شیوه های مختلف به اعتراض و مبارزه بر می خیزند.

— در کارخانه ریسندگی و بافندگی "یکسار" چندین ماه است که حقوق و مزایای کارگران را نپرداخته اند. این امر موجب اعتراضات شدید کارگران گردیده و آنان طی نامه اعتراضی به وزارت کار متذکر شده اند: "در شرایطی که هر روز میبویونه تومانی پول ما را میبویوه خرج جیبه می نماید. پس چسرا کمبود پول را برای ما بهانه قرار داده و از پرداخت حقوق ما طفره می رود". کارگران این کارخانه اعلام کرده اند تا زمانی که حقوق و مزایای آنها نپرداخت نشود به کم کاری خود ادامه خواهند داد.

اعتراض کارگران ذوب آهن

ورشکستگی اقتصادی و بحران مالی رژیم موجب شده است که دولت از پرداخت حقوق ماهانه کارگران کارخانه ذوب آهن نیز بازماند. در این کارخانه به پرداخت حقوق فرادامه پرسنل تا میهن دوم تیرماه تعویق افتاد. و این تاخیر موجب اعتراض و افزایش خشم و نفرت کارگران از سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی گردید.

در همین رابطه اخیراً بخشنامه ای از سوی شرکت ملی فولاد ایران به کارخانه ذوب آهن ارسال شده، و در آن دستور داده شده است. بدلیل کمبود بودجه، از پرداخت اضافه کاری برای کارگرانی که در روزهای تعطیل کار می کنند خودداری شود. این تصمیم بلافاصله با اعتراض شدید کارگران مواجه گشته و در مدت کوتاهی صدها کارگر شیفت کار را ماضی طوماری خواستار لغو تصمیم فوق شدند. این اقدام اعتراضی کارگران، مسئولین کارخانه را مجبور به عقب نشینی و لغو بخشنامه مآدره نمود.

اعتصاب کارگران نیروگاه برق

اواسط تیرماه امسال کارگران روزمسازد نیروگاه برق قزوین بخاطر اعتراض به دیرکرد پرداخت حقوق ماهانه دست به اعتصاب زده و خواستار پرداخت به موقع حقوق خود شدند. قلابان نیز مسئولین کارخانه همیشه به بهانه کمبود پول پرداخت حقوق کارگران را دوماه به تاخیر انداخته و هر نماینده ای را که کارگران جهت مذاکره و اعتراض انتخاب می نمودند، بلافاصله اخراج می کردند. این بار اقدام قاطع، یکپارچه و متحدکارگران و اعلام اعتصاب از سوی آنان، مسئولین کارخانه را مجبور به عقب نشینی و قبول خواستهای کارگران، از جمله پرداخت به موقع حقوق ماهانه آنها نمود.

اعتصاب کارگران شرکت "بتا"

دشت مغان - اخیراً ۲۵ نفر از کارگران سفالت کار شرکت "بتا" بخاطر اعتراض به تعویق ۶ ماهه حقوق خود بیدست سه روز دست به اعتصاب زدند. آنان کارخانه سفالت را تعطیل و از راه اندازی آن جلوگیری بعمل آوردند. هجوم ما مورین زاندا و منیجهت شکستی اعتصاب نتیجه ای نداد و مقامات یکپارچه کارگران مسئولین شرکت را مجبور به عقب نشینی کرد. آنان متعهد شدند که کلیه حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت نمایند.

اعتصاب کارگران کشتارگاه شیراز

چندی پیش عدوای از کارگران کشتارگاه شیراز بخاطر افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض می گویند افزایش سرسام آور هزینه های زندگی باعث شده است که حقوق دریافتی به هیچ وجه کفاف زندگی ما را ندهد. آنها همچنین می گویند مسئولین کشتارگاه شیراز با وجود شناختی که از وضع نامان ما در زندگی ما دارند هیچگونه اقدامی جهت افزایش حقوق ما نمی کنند و به خواستهای کارگران بی توجهند. اعتصاب کارگران کشتارگاه شیراز یک هفته ادامه داشت.

اعتصاب کارگران کارخانه "آتمسفر"

در نتیجه اعتراض کارگران کارخانه آتمسفر به نحوه اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، به جهت هشیاری و پیگیری آنان، این طرح گونه ای در کارخانه تصویب شد. طبق آن حقوق کارگران ۱۷ درصد افزایش می یافت. ولی مدیریت فدکا رگری کارخانه از اجرای این طرح جلوگیری نمود. در پی این عمل فدکا رگری ۴۰۰ نفر از کارگران جهت احقاق حقوق خود بطور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب منجر به استعفای مدیران موراداری و پیروری کارگران شد.

اعتصاب در شهرک آپادانا

او اخیراً ما را مال استادکاران بخش لوله کشی شهرک آپادانا در تهران، بعنوان اعتراض به سنگینی طاقت فرسای کار و دزدی و سوء استفاده مسئولین از حقوق کارگران و آهان و توهین به آنان دست از کار کشیده و این شهرک را ترک نمودند. آنان اعلام کردند که تا تحقق خواسته های ما بپردازیم افزایش دستمزدها، تقلیل ساعات کار و حفظ حرمت و احترام کارگران، به سرکار باز نخواهند گشت.

بازگشت سرمایه داران فراری

همزمان با بازگشت سرمایه داران فراری و حمایت همجانبه مسئولین جمهوری اسلامی از آنان، صاحب فراری کارخانه "شتوکس زنجان" (تولیدکننده وسایل کتای ورزشی) نیز به کشور بازگردد شده و با حمایت شورایی قضایی، کارخانه ها و کارگرانش را پس گرفت. در پی این امر و بلافاصله حکم تخلیه ساختمان کارخانه را نیز از دادستان زنجان گرفت و اقدام نمود. این کارخانه که بعد از انقلاب مآدره و در اختیار سازمان گسترش قرار گرفته بود، به همت چند تن از اعضای شعاعی کارخانه، با تلاش و زحمات فراوان و با گرفتن وام از سازمان گسترش و خرید قطعات مورد

نیازها را انداخته شده بود، اکنون با حمایت و حکم مسئولان رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی همچون مواردی بشما در دیگر محترمانه تحویل سرما به دارفراری تطهیر شده می گردد.

دهقانان نکاء علیه بزرگ مالکان

اهالی روستای "نیمچاه" از توابع نکاء، از مدت ها حدود هفتاد هکتار زمین مآدرای دارند که بصورت شورایی کشت می نمایند. در سال قبل مالک ۲۰ هکتار از این زمینها به اسم حاجی براهیم عرب (یک کسی از سرما به داران شهرستان نکاء) و نامتخته اختصاصی فروش اموال بیلجایی کرد و کمکی با برداشت داشتن حکمی از سوی مقتدایی عضو شورایی قضایی، برای پس گرفتن زمینهای مآدره شده اقدام نمود. ولی تلاشهای او برای بازپس گرفتن زمین با مفا و مسست شدید دهقانان زحمتکش روبرو شد و نتوانست کناری از پیش ببرد. او مجدداً در سال جاری پس از دریافت حکم از های از سوی ما متعی (دادستان وقت) بمنظور تصاحب مجدد زمینها، دهقانان را تحت فشار قرار داد. ولی آنان در مقام بل تهدیدها و فشارهای مالک و مقامات قضایی تسلیم نشده و با همبستگی و اتحاد خود، این بار نیز موفق شدند بزرگ مالک را از روستا بیرون انداخته و تا کامش گذارند.

مقاومت پیروز مندا هالی شمس آباد

چندی پیش ما مورین شهرداری با کمک پاسداران و ما مورین کمیته جهت خرید خانه ای در شمس آباد به آن محل هجوم آوردند. مردم محل با اطلاع از این واقعه بلافاصله جهت کمک به صاحب خانه مذکور جمع شده و ضمن اعتراض به این اقدامات ضد مردمی رژیم، با ما مورین سرگوبگر مقا بله نموده و اجازه ای این اقدام را به آنان ندادند. ما مورین سپاه که انتظار این اعتراض و مقاومت یکپارچه مردم را نداشتند، شروع به تیراندازی های هوایی نمودند ولی سرانجام مقاومت و ایستادگی مردم آنان را وادار به عقب نشینی و انصراف از انجام مأموریت محوله نمود. در این مبارزه و مقاومت، زنان محصل نقش چشمگیری داشتند. آنان هنگام با دیگر اهالی توانستند از اقدامات ظالمانه ما مورین رژیم جلوگیری نمایند. مردم محله شمس آباد که همه روز با چنین صحنه های بی مواجهند، بیش از پیش به ما هیز ضد مردمی سرگوبگران رژیم جمهوری اسلامی بسی می برند.

مقاومت مردم محله فیروزآباد

اخیراً شهرداری فیروزآباد شهرداری به بهانه نسقه و قنی بودن زمینها، دستور تخریب منازل مسکونی گروهی از اهالی فیروزآباد کرد. مردم محله این زمینها را بعد از انقلاب از قرامتری ۸۰۰ تومانی خریداری و با اجازت قانونی اقدام به ساختن سربانهای برای خود نموده اند. در پی این دستور ما مورین شهرداری، سپاه و کمیته به همراه چندین لودر و بوز جهت تخریب منازل به محل هجوم آوردند. این تهاجم وحشیانه آنان بلافاصله با اعتراض و مقاومت ساکنین محل روبرو شد. تهاجم وحشیانه ما مورین سرگوبگر رژیم که بدون توجه به حضور مردم در منازلشان - خانه ها را تخریب می نمودند، موجب درگیری شدیدی بین آنان و مردم گردید. در این واقعه تعدادی از مردم محل مجروح و چندین دستگاه لودر و بولدوزر به آتش کشید شد. با وجود وحشیانه ها و اعمال غیرانسانی ما مورین رژیم، مقاومت و اعتراض متحد مردم فیروزآباد شهرداری ادامه دارد.

تعاونی حرام است!

کارگران چاخانه "نشر جمهوری اسلامی" جهت تشکیل تعاونی مصرف با همیاری خود مبلغ ۳۵ هزار تومان جمع آوری کردند، و از سرپرست چاخانه جهت کمک به شروع کار تعاونی تقاضای مقداری وام نمودند. سرپرست این چاخانه با ۱۰۰ نفر پرسنل بجهت اخذ خودمترتجی به اسم برقی است. او که بسا کمک دستیاران خود کارگران را شدیداً استثمار می کند، به درخواست کارگران در برابر پرداخت خسست مقداری وام، جهت تأمین تعاونی مصرف کارگران شدیداً مخالفت نمود. او اعلام داشت: "تعاونی حرام است!" این امر باعث اعتراض وسیع کارگران روبرو گردید و آنها برخاست خویش پا فشاری کردند و ایستادند. در پی آن به درخواست سرپرست چاخانه از سپاه، پاسداران به کارخانه هجوم آورده و پس از ضرب و شتم کارگران ۱۲ تن از آنان را با زداختن و سپس از کارخانه اخراج نمودند. کارگران چاخانه نسبت به این اقدامات ضدکارگری و اخراج همکارانشان اعتراض نمودند.

مصاحبه رهبر اتحاد شوروی با مجله تایم

میخائیل گابریلوف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در ماه گذشته در مصاحبه‌ای به سوالات سردبیر و مدیرمسئول مجله آمریکا، تایم پاسخ داد. گفت وی در این مصاحبه بیرونی روابط شوروی و آمریکا، مذاکرات و تفاهات اتحاد شوروی صحبت کرد.

میخائیل گابریلوف گفت: "علیرغم آغساز مذاکرات صلح و توافقی بیرونی میان دولت شوروی و دولت آمریکا، روابط اتحاد شوروی و ایالات متحده همچنان متشنم و مسایقه تبلیغاتی در حال گسترش است. برخی مقاصد آمریکا می‌کوشند ابتکار اتحاد شوروی برای پیشرفت در امور مذاکرات صلح را تبلیغاتی صرف معرفی کنند."

میخائیل گابریلوف اظهار داشت: "اگر چه همه آنچه ما انجام می‌دهیم، بمناسبت تبلیغات صرف می‌نگرند، جزو بطریق اصل چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، بدان پاسخ نمی‌دهند؛ ما اینجا رهبرانی هسته‌ای را موقوف کرده‌ایم. شما آمریکا می‌توانید زمین‌ها را به طریق انتقال بگیری. شما هم می‌توانید در برابر ما یک عمل تبلیغاتی دیگر انجام داده و متلا تونید یکی از موسسات استراتژیک جدید خود را موقوف سازید."

رهبر اتحاد شوروی در مورد برنامه "جنسک ستارگان" آمریکا گفت: "تصور من مانسند از آسیب‌های احتمالی به کمک ابتکار دفاعی استراتژیک، به گواه دانشمندان، تصویری بچوب است. این پروژه به سبب آنکه مسایقه تبلیغاتی را به عرصه‌ای نوین گسترش می‌دهد، بسیار خطرناک است. میخائیل گابریلوف تا کنون بی‌شروط و حصول توافق برای جلوگیری از گسترش مسایقه تبلیغاتی در فضا گفت: "بدون چنین توافقی، نیل به توافق در برابر محدود کردن و کاهش سلاح‌های هسته‌ای نیز امکان پذیر نخواهد بود... اگر موضوع کنونی ایالات متحده در رابطه با سلاح‌های فضا می‌باشد، مذاکرات و تفاهات خود را از دست ندهد."

رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی در پاسخ به سوال، مربوط به اقتصاد شوروی اظهار داشت: "مردم شوروی موفق شده‌اند در زمینه‌های ممکن را ممکن ساخته و در طول مدت کوتاهی کشور خود را به یک قدرت اصلی جهانی تبدیل سازند، امری که توان و ظرفیت‌های عظیم سوسیالیست را تا حد زیادی کند. وی در مورد مشکلات و کمبودها گفت: "وی در مورد شیوه مدیریت مناسب برای یک اقتصاد مسدود نیا موخه‌ایم. ما سرگرم برنامه‌ریزی برای استفاده بهتر از سرمایه‌های ما هستیم. برای بهبود شیوه کار اقتصادی، لازم است تمرکز در بخش‌های استراتژیک بیشتر شود و بخش‌ها، مناطق و اجزای مختلف اقتصاد مسئولیت بیشتری در مقابل فروریات اقتصادی عده دار گردند. رهبر شوروی اظهار داشت: "مهمترین هدف در تحول بخشیدن به اقتصاد شوروی، بهبود زندگی مردم است."

میخائیل گابریلوف در پاسخ به این سوال که "زرفتن به میان مردم و تماس نزدیک با آنها چه هدفی را دنبال می‌کنند؟" گفت: "این تنها شیوه بعضی من نیست، این چیزی است که همه ما از این کشور گرفته‌ایم... او در مورد گوناگون گفته است که برای ساخت زندگی، باید ما را آشنوده‌اید زندگی کرد. با پدید آمدن آنها زیست، از آنها آموخت، نبی آنها را حسین کار در دست داشت و طرز فکر و روحیاتشان را در سیاست منعکس کرد."

جاودان باد یاد شهیدان خلق

رژیم سفاک و جناحیتکار خمینی طی چند سال عمر نکبت با برخورد زار از تن انقلابیون را پس از شکنجه‌های وحشیانه‌ای و عده زیادی را مخفیانه به قتل رسانده است. جنایات هولناک جلادان و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی شرم‌کننده‌ترین توده‌های مردم ایران و اعتراض مردم جهان را برانگیخته است. بویژه کشتار مبارزان با سابقه و زندانیان سیاسی رژیم جنایتکار شاه خشم مردم ایران را بیش از پیش علیه رژیم جمهوری اسلامی شدت داده است.

یاد شهیدان جاودان خواهد بود. خلق انتقام فرزندان خود را خواهد گرفت.

اخیرا خبرها شد تعداد دیگری از انقلابیون در زندان‌های رژیم جنایتکار خمینی متفرسند. نشریه "فدایی" خبر اعلام رژیم می‌دهد که از دست‌ساخت، رفیق باکرا دادا افسر انقلابی ارتش و از جمله مبارزین با سابقه‌ای بود که سالها زندان شکنجه رژیم شاه را از سر گذرانده بود. نشریه "راه کارگر" نیز اطلاع می‌دهد که رفیق مهدی خسرو شاه از مبارزین با سابقه و زندانی سیاسی رژیم شاه بخاطر دفاع از آزادی‌های انقلابی خود در اردیبهشت ۱۳۴۰ دست‌جلادان رژیم خمینی شیربان شده است. در ارتباط با ادامه جنایات رژیم خمینی، نشریه مجاهدین خبرها شد تعدادی از مجاهدین خلق را متفرسند.

انترناسیونالیسم درفش همبستگی زنده کارگران جهان

همبستگی بین المللی کارگران پدید آمد، تشکیل جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و تصمیم اسناد آن توسط آنان تجلی با رزوحدهت بین المللی کمونیست‌ها در شرایط جدید بود. احزاب کمونیستی و کارگری، اسناد مصوبه این گروه‌ها می‌ها را بعنوان پایه‌های استراتژی و تاکتیک خود قرار می‌دهند.

در شرایط کنونی، احزاب کمونیست و کارگری از طریق جلسات مشاوره دو جانبه و چند جانبه از طریق منتخبات کارگران متشکل در سطح بین المللی (مجلس سوسیالیسم) کار بست در شکل تیسار دل فکری و همگامی عملی، یکدیگر را در انجام وظایف انقلابی، در مقیاس ملی و بین المللی بسیاری می‌رسانند و وحدت جنبش بین المللی کمونیستی را پاس می‌دارند. انترناسیونالیسم پرولتاری را در مقیاس جهانی تجسم عینی می‌دهند. در سلسله اصلی کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ تاکید شده است که: "تیسار دناسات متقابل، بین احزاب برادرانه است از اصول انترناسیونالیسم پرولتاری، همبستگی و کمک متقابل، احترام به استقلال و برابری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، رعایت دقیق این اصول شرط ضروری برای زنده‌ماندن و رفیقا، احزاب برادر و همکاری و وحدت جنبش کمونیستی است. تمام احزاب دارای حقوق برابرند. در حال حاضر که یک مرکز رهبری در جنبش کمونیستی وجود ندارد، اهمیت تلقیق داوطلبانه عمل آنها به خاطر اجرای موفقیت آمیز و یافتن بویژه افزایش می‌یابد."

پایبندی به اصول انترناسیونالیسم پرولتاری و وظیفه مهم احزاب کمونیست است. کمونیست‌ها عقیده معتقد دارند که "سرمایه یک نیروی بین المللی است. برای غلبه بر آن اتحاد بین المللی کارگران برادری بین المللی کارگران ضروری است." (و.ا.لنین) انترناسیونالیسم پرچم همبستگی پرولتاریا برای همه ملت‌ها در پی یکا ر علیه سرمایه جهانی سیاست و ایدئولوژی همبستگی بین المللی کارگران است. گسالت بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری را بر ضد تمام کشورهای دست‌ساز و زاینده‌ها علیه آن تبلیغ می‌کنند و برای مخدوش کردن مفهوم و هدف انترناسیونالیسم تلاش می‌ورزد. امروزه امپریالیسم و ارتجاع و خادمین آنها، شوروی ستیزی را بعنوان عمده ترین حربه برای ایجاد تفرقه در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بکار گرفته‌اند. دشمنان طبقه کارگران اتحاد بین المللی احزاب کمونیست و کارگری را بعنوان "وابستگی و بطور خاص وابستگی به مسکو" معرفی می‌کنند و می‌کوشند از طریق فشار روتهدید و ترغیب، اندیشه‌های ارتجاعی وحدت ستیزانه را در جنبش جهانی کمونیستی تزیین کنند.

کمونیست‌ها بمناسبت پیش‌هانگان طبقه کارگر پیگیرترین مدافعان منافع ملی و راسخ ترین مدافعان برستان هستند. سیاست کمونیست‌ها بر تعلق انقلابی مبین پرستی و انترناسیونالیسم استوار است. هر حزب کمونیست مسئول فعالیت خویش در برابر طبقه کارگر و خلق خویش، و در عین حال در برابر طبقه کارگر جهانی است. کمونیست‌ها متشکل نظر انترناسیونالیستی را که بعنوان سلاح ایدئولوژیک خطرناک از جانب بورژوازی برای توجیه سیاست‌های توسعه طلبانه و ایجاد تفرقه در صفوف همگامان بکار می‌رود، نفی می‌کنند و هم نیهلیسم ملی را، بقیه در صفحه ۷

مهر ما همبستگی

مهر ما همبستگی است با صدوبست و یکمین سال تشکیل انترناسیونال اول. کارل مارکس و فردریک انگلس بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی، برای نخستین بار در ۲۸ سیتا میرال ۱۸۴۴ اتحادیه بین المللی کارگران را که در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۴۸ در لندن تشکیل داده بودند، با انترناسیونال اول معروف است بنیان نهادند. تشکیل انترناسیونال اول شرف کارگران مبارز قاطع و پیگیر مارکس و انگلس برای پی ریزی جنبش انقلابی طبقه کارگر و سازمان بین المللی پرولتاریا بود.

بعد از تشکیل انترناسیونال اول، احزاب کارگری بصورت شعبان در کشورهای مختلف بوجود آمدند. و تعداد آنها در طی کمترین زمان ۲۵ سازمان رسید. مارکس بهمراه انگلس، در طول حیات انترناسیونال اول، پیکار سخت و آشنی نا پذیر را علیه عقاید فرمیستی و خرده بورژوازی به پیش بردند.

بین الملل اول در جریان "کمون پاريس" فعالیت شرکت جست و از پیکار قهرمانانه کارگران پاريس حمایت نمود. پس از شکست کمون پاريس، فضا علیه بین الملل اول در اکثر کشورهای تشدید یافت. شنگره، لاهه، در سال ۱۸۷۲ تصمیم گرفت مرکز استقرار بین الملل اول به نیویورک انتقال یابد. چهار سال بعد از آن یعنی در سال ۱۸۷۶ در کنفرانس فیلادلفیا بین الملل اول به طور رسمی منحل گشت.

انترناسیونال اول تجسم اتحاد بین المللی کارگران بر علیه یوغ سرمایه و نشان بارز انترناسیونالیسم پرولتاری بود. گرچه بین الملل اول منحل گشت، ولی اتحادیه‌های کارگران روز بروز استحکام بیشتری یافت. در سال ۱۸۸۹ انترناسیونال دوم بمناسبت جامعه بین الملل احزاب سوسیالیست در پاريس تاسیس شد. ولی پس از شروع جنگ اول جهانی (در سال ۱۹۱۴) اکثر رهبران آن به راسخ بواع بورژوازی غلطی شدند و اصول همبستگی پرولتاری را ترک گفتند. در سال ۱۹۱۹ انترناسیونال کمونیستی یا انترناسیونال سوم که به کمینترن معروف است، پایه گذاری شد. تشکیل کمینترن، نقطه تحولی در تاریخ جنبش بین المللی کارگری بود. کمینترن در طول حیات خود نقش پرستای در تحکیم همبستگی بین کارگران و در آبدیده کردن ولینیتی کردن احزاب کارگری و کمونیست ایفا کرد. در سال ۱۹۴۳ با توجه به شرایط جدیدی که شکل گرفته بود، کمینترن با تصویب احزاب کمونیست منحل اعلام شد.

با کتار گذاشتن اشکال کهنه، اشکال جدیدی العاده منفر و آبرویا خته است و در نهایت مسخره انتخاباتی اخیر نیز از او حتی کمتر از او با طله بوده است.

اکنون در برخی از محافل با تفوق حکومتی، نخست وزیر و ولایتی پیش کشیده می‌شود. در این محافل سیاست ارتجاع، کارایی و مصلحت اندیشی خویشی از خود نشان داده است. ولایتی که در حال انجمن اسلامی در آمریکا پرورش سیاسی یافته و تحمیلات عالی خود را در تمام کرده است، در سال ۶۰ نیز تا مزد رهبران اصلی رژیم برای بست نخست وزیر بود. یکی از انگیزه‌های قبلی خمینی در ابقاء موسوی این بود که برکناری او به تصویر کشیده می‌آید اما استاز "شاه" رژیم ارائه دهد. آسب می رساند اکنون در پاريس نه نمایش انتخاباتی شاید از نظرایشان وقت مساعده رسیده‌ها شد. بهر حال اینکه موسوی در نخست وزیر باقی بماند و یا اینکه خمینی ولایتی و یا احیاناً دیگری را به این مقام منصوب کند، سیاست رژیم همچون تغییر نمی‌کند و رژیم راهی را که در پیش گرفته است، بطور شایسته ادامه خواهد داد. تحویض مهرها در خدمت تسریع پیشبرد مجموع سیاست‌های ارتجاعی رژیم خواهد بود.

ارتجاع

در جستجوی مهره‌های "بهرت"

در پی برکناری نمایش انتخابات ریاست جمهوری و انتصاب دوباره علی خامنه‌ای از سوی خمینی، موضوع ابقاء موسوی در پست، نخست وزیر و یا برکناری او برای چندمین بار در برخی محافل درون حکومت مورد بحث قرار گرفته است. در گذشته محافل با نفوذی از روم در بین حوزه علمیه قم، که منافس کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان را با پاسداری می‌کنند، برای چندمین بار کناره‌گذاشتن موسوی از پست نخست وزیر را پیش کشیدند. بهانه این محافل این بود که گویا "دولت می‌خواهد اسلام و احکام آنرا از بین ببرد" و عامل بحران اقتصادی در کشور است. اینان در درین سیرماه امسال نیز در دیدار با خمینی همین درخواست خود را تکرار کردند و اما خمینی با زهم تا کنون در که دولت مدافع اسلام و احکام آن است، گفت: "اگر نخست وزیر را بروداریم چنانچه مالی را نخست وزیر کنیم قدر می‌توانید کنار کند." این محافل در گذشته عسکر ولادی را پیش می‌کشیدند، هر چند آنها هم مانند گذشته که این آدم و نفوذ

Table with contact information for the publisher in Vienna, Austria.

پیش بسوی جبهه متحد خلق